

در وزارتِ دربار

(۱۳۳۰ تا ۱۳۳۴ و ۱۳۳۶ تا ۱۳۴۰)

گزارشهای روزانه حسین علاء به محمدرضا پهلوی

فرهاد رستم

اسناد ارائه شده در این بخش شامل گزارشهای روزانه حسین علاء به محمدرضا پهلوی است که به دو مقطع تاریخی ۱۳۳۰ - ۱۳۳۴ و ۱۳۳۶ - ۱۳۴۰، یعنی سالهایی که علاء وزارت دربار را عهده‌دار بود، محدود می‌شود.

حسین علاء (۱۲۶۱ - ۱۳۴۳ ش.)، ملقب به معین‌الوزاره، مانند بسیاری از رجال سیاسی پهلوی ریشه در خاندانهای حکومتگر دوره قاجار داشت. پدر او، محمدعلی خان علاء‌السلطنه ملقب به «پرنس» (متوفی ۱۳۱۵ ش.)، از کارکنان وزارت امور خارجه عهدناصری بود. او در آغاز قنصل ایران در بمبئی و سپس در تفلیس و از ۱۳۰۷ ق. وزیرمختار ایران در لندن بود. پس از خلع محمدعلی شاه، در زمره چند دولتمرد اصلی جای‌گرفت، درکابینه‌های متعدد متصدی‌سمت‌های وزارت و در دونوبت‌رئیس‌الوزرا بود. حسین علاء داماد ابوالقاسم خان ناصرالملک، خواهرزاده میرزا علی خان امین‌الدوله و برادر مهدی خان مشیرالملک بود. وثوق‌الدوله، قوام‌السلطنه و میرزامحسن خان امین‌الدوله از نزدیکان خانوادگی او بودند. بجز تسلط بر زبانهای انگلیسی و فرانسوی سواد و تحصیلات چندانی نداشت. فعالیت سیاسی علاء از وزارت امور خارجه آغاز شد. در ۱۷ سالگی وابسته سفارت ایران در لندن شد و در زمان جنگ جهانی اول «رئیس کابینه» وزارت خارجه گردید. مدت کوتاهی بعد، میرزا حسین خان معین‌الوزراء در دولت مستوفی‌الممالک (۱۳۳۶ ق.) وزیر فواید عامه و تجارت شد و مدتی بعد وزیرمختار در اسپانیا و سپس امریکا.

حسین علاء، که در این زمان «علایی» خوانده می‌شد، در دوره پنجم به عنوان نماینده تهران به مجلس شورای ملی راه یافت و در سال ۱۳۰۴ به مخالفت با تغییر سلطنت رأی داد. معهدا، پس از تغییر سلطنت او یکی از صحنه‌گردانان سیاست پردازان عصر پهلوی بود.

وکلاهی مخالف تغییر سلطنت دارای انگیزه‌های متفاوت بودند؛ این انگیزه‌ها را نقش بعدی آنها روشن می‌دارد. هیچگاه نمی‌توان مخالفت حسین علاء، سید حسن تقی‌زاده، دکتر محمد مصدق، ملک‌الشعراى بهار و سید حسن مدرس را از یک مقوله دانست. بدون تردید، مخالفت هر یک از ایشان بازتاب اجتماعی جریان ویژه‌ای بود.

از مشاغل دیگر علاء وزیرمختاری در فرانسه، وزارت دربار، و سفیرکبیری ایران در امریکا در سالهای ۱۳۲۱ و ۱۳۲۴ است. در سال ۱۳۲۹ به سمت نخست‌وزیری منصوب گردید و به علت وسعت بحران نفت در سال ۱۳۳۰ استعفی و مدتی بعد وزیر دربار شد. در فروردین ۱۳۳۴ دولت کودتا استعفا داد و علاء بار دیگر به نخست‌وزیری (فروردین ۱۳۳۴ - فروردین ۱۳۳۶) منصوب شد.

علاء یکی از مدافعان و عامل اجرای الحاق ایران به «پیمان بغداد» در مهر ماه ۱۳۳۴ است. وی پس از برکناری از نخست‌وزیری در سال ۱۳۳۶، تا سال ۱۳۴۲ مجدداً سمت وزارت دربار را برعهده داشت. چندی سناتور انتصابی از تهران بود و سرانجام در سال ۱۳۴۳ در ۸۲ سالگی درگذشت. حسین علاء از اعضای لژ ماسونی «بیداری ایران» و در دوره پهلوی رئیس باشگاه لاینز بود.

از مهم‌ترین موارد مندرج در اسناد حاضر مسئله قانون، مجلس و انتخابات است. علاء می‌نویسد:

البته ما می‌دانیم که انتخابات کاملاً آزاد امکان ندارد ولی باید سعی شود که تا حد امکان آزادی انتخابات رعایت شود. واضح است که تحت قدرت یک حزب اکثریت امکان برگزاری انتخابات آزاد وجود ندارد.^۱

بعد ادامه می‌دهد:

چند نفر از نمایندگان... می‌گویند خوب است شاهنشاه رؤسای دو حزب^۲ را احضار فرموده دستور اکید صادر فرمایند ائتلاف کنند... عقیده ندارند تأخیر یا فترتی در کار صلاح باشد و این دفعه واجب است از هرگونه مداخله در صندوقهای رأی جلوگیری شدید شود.^۳

اذعان علاء به نبودن انتخابات آزاد و انتصاب فرمایشی رؤسای احزاب آنقدر گویاست که ما را از هر توضیحی بی‌نیاز می‌کند. بدون تردید، دیگر زمان به توپ بستن

۱. سند شماره ۲۳، همین گزارش.

۲. حزب ملیون به رهبری دکتر اقبال و حزب مردم به رهبری اسدالله علم.

۳. سند شماره ۲۳، همین گزارش.



محمدرضا پهلوی هنگام استماع گزارش حسین علاء وزیر دربار [۱۰۶۷ - ۱]

مجلس سپری شده است؛ اینک باید مجلس را به کسوت زیبای انتخابات آراست زیرا راه از بین بردن یک جریان، ایستادن در مقابل آن جریان نیست بلکه منحرف کردن آن به مسیر موردنظر است. علاء در جای دیگر می‌نویسد:

دکتر مصدق ظاهراً هنوز این حقیقت را درک نکرده که شاهنشاه، محبوب عامه ایرانیان است و مقام سلطنت از قدیم‌الایام قدرتی در کشور ما دارد و مردم نسبت به آن مقام شامخ، که مظهر اتحاد ملی است، احترام و علاقه مخصوصی دارند.^۴

این سند در دنباله برنامه سفر شاه در ۹ اسفند ۱۳۳۱ به خارج از کشور نگارش یافته است.

مشکل عمده ایران در بخش مهمی از سده گذشته عدم امنیت اجتماعی بود. تهاجم خارجی و آشوبهای داخلی، از عوامل اساسی پدیدآورنده این بی‌ثباتی اجتماعی به شمار می‌روند.

۴ . سند شماره ۳، همین گزارش.

آرنولد توین بی می‌گوید: «هجومها رهبری زاینده». همچنین اردشیر ریپورتر در نامه‌ای به نصرالله خلع‌تبری می‌نویسد: «الان که نه سلطنت است و نه جمهوری آثار روزگار برین می‌باشد که دیکته‌تری [دیکتاتوری] نظامی سردار سپه مقبول افتد».^۵ هر چه نامنی اجتماعی وسیع‌تر باشد توجه بهتری برای تحمیل «دیکتاتور» به دست می‌دهد. آشوبهای محلی، یکی پس از دیگری، و به مرور زمان خاموش می‌شوند و، همزمان با آن، نهضت‌های انقلابی و جنبشهای مردمی نیز سرکوب می‌گردند. امنیت اجتماعی به طور نسبی حاصل می‌شود و برای جلب نظر عده‌ای از تجددگرایان سراب فریبنده جمهوری را در برهوت تشنگان به جلوه درمی‌آورند، و سرانجام «دیکتاتور» بر فراز ایران می‌ایستد.

محمدرضا شاه در یکی از جلسات شورای عالی اقتصاد اعتراف کرد که از هر پیروزی جدید و از هر فرصت مناسبی برای تحکیم قدرت شخصی خود استفاده می‌کند.^۶ یک بار، به مناسبت جشن مشروطیت، دو روزنامه عصر تهران سرمقاله‌هایی منتشر کردند حاکی از اینکه با توسعه مشارکت سیاسی مردم، ایران به تدریج به سوی دموکراسی به سبک غربی پیش خواهد رفت. شاه دستور داد علم مدیران این دو روزنامه را احضار کند و به آنان دستور بدهد سرمقاله‌های جدیدی بنویسند و چنین تأکید کنند: «مادام که دموکراسی به سبک غربی فقط خیانت را تشویق می‌کند و به استبداد اقلیت منتهی می‌شود ایران هیچ تمایلی به گرایش به این نوع دموکراسی ندارد».^۷

شاه تا سال ۱۳۲۸ که مجلس مؤسسان اختیارات وی را افزایش داد ادعا می‌کرد که قانون اساسی سندی است که برضد او نوشته شده است.^۸ وی گاهی می‌گفت: «سیستم یک حزبی منجر به دیکتاتوری می‌شود»^۹ و زمانی می‌گفت: «سیستم چند حزبی مانع از فعالیت سیاسی اقلیت می‌شود».^{۱۰}

در اسناد حاضر نکات بسیار حساس و قابل توجهی درباره انتخابات خاصه انتخابات دوره بیستم موجود است که اینک به بخشی از آنها اشاره می‌کنیم. علاء در سندی از قول سفیر انگلیس می‌نویسد: «سیاست راسخ و خلل‌ناپذیر ما، مخصوصاً از سال ۱۹۵۴، بر

۵. مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند شماره ۷۵۶۰۹.

۶. خاطرات محرمانه امیر اسدالله علم، گفتگوهای من با شاه، گروه مترجمان انتشارات طرح نو، تهران، طرح نو، ۱۳۷۱، جلد اول، ص ۱۱.

۷. همان، ص ۱۳.

۸. همان، ص ۱۶.

۹. همان، ص ۱۳.

۱۰. همان، ص ۱۵.



حسین علاء و دین آجسن [۲۴ - ۱ - پ]

این قرار گرفته است که در امور داخلی ایران دخالت نکنیم.^{۱۱} سفیر انگلیس، ضمن اینکه با اظهار این جمله به دخالت انگلیس در امور داخلی ایران اعتراف می‌کند، می‌افزاید:

«هر کاری که می‌کنید از انتخابات تقلبی پرهیز کنید».^{۱۲} به راستی چرا سفیر انگلیس تا این حد نگران دموکراسی و اجرای صحیح آن در ایران است؟ به همان دلیل که از سال ۱۹۵۴ به بعد قیومت بر دموکراسی ایران را به طور اجتناب‌ناپذیری به امریکا واگذار کرده است و اکنون جا دارد که نگران این تغییر جریان در مجلس شورای ملی نیز باشد. در سندی دیگر در پی سفارش ارسال خلع‌تبری مبنی بر ورود اشتري، جزائري و امير حكمت به جای رشیدیان و محمدعلی مسعودی به مجلس، شاه این عبارت را نوشته است: «در آراء که تقلب نمی‌شود کرد!»^{۱۳} گویا این جمله تلمیحی است به اظهار سفیر انگلیس که «از انتخابات تقلبی پرهیز کنید».

۱۱. سند شماره ۲۳، همین گزارش.

۱۲. همان سند.

۱۳. سند شماره ۲۹، همین گزارش.

اکنون برای روشن‌تر شدن کم و کیف انتخابات مجلس بیستم به اظهارات یکی از نمایندگان این دوره یعنی ابوالقاسم تفضلی و نحوه انتخاب شدنش توجه می‌کنیم. وی اظهار می‌دارد:

در تیر ماه ۱۳۳۹ در ژنو یک تلگراف فوری به دستم رسید ... تلگراف بوی انتخاب شدن به نمایندگی مجلس می‌داد^{۱۴} ... دکتر اقبال ... یک ورقه بزرگی را روی میزش پهن کرد و گفت من و علم دیشب حضور اعلیحضرت شرفیاب شدیم و برای هر حوزه کاندیداهای خودمان را به نظر شاه رساندیم تا اعلیحضرت هر کس را مایل باشند انتخاب فرمایند. به طوری که می‌بینی تو را برای حوزه کاشمر انتخاب کرده‌اند؛ پس چاره‌نداری و باید قبول کنی. من به کاغذ نگاه کردم و دیدم برای حوزه کاشمر نام من و نام منوچهر تیمورتاش و یک نفر دیگر نوشته شده و با جوهر سبز رنگ دور اسم من خط کشیده است.

س: چه کسی خط سبز دور اسامی کشیده بود؟ ج: شخص شاه.^{۱۵}

طی بیست و چهار دوره نمایندگی مجلس شورای ملی به طور قطع غیر از دوره‌های اول تا ششم و دوره‌های چهاردهم تا هفدهم، مردم هیچگاه شاهد رعایت انتخابات آزاد نبوده‌اند، از دوره ششم به بعد انتخابات دکتر مصدق، آیت‌الله کاشانی و دکتر مظفر بقایی و حسین مکی بوده است که بدون شک بارأی طبیعی اکثریت مردم تهران به مجلس راه یافتند.^{۱۶} ... همه کس باید بدانند و بفهمند که انتخابش منحصرأ و صرفأ مرهون خواست یک نفر است، یعنی شاه، و تا زمانی می‌تواند در پست خود باقی بماند که اوامر شاه را اجرا کند و مطیع محض اراده او باشد.^{۱۷}

به دلیل تغییر نیافتن حاکمیت در دوران سلطنت پهلوی نسبت به دوره قاجار مسائل و معضلات گذشته مانند دخالت اطرافیان و خانواده شاه در امور مملکت و سوءاستفاده‌های ایشان، در این دوره نیز مشاهده می‌شود. شاهزاده خانمهای پهلوی اگر چه چادر و چاقچور قاجار را از سرافکنند اما در سر همان سوداها و همان مسائل پیش پا افتاده و حقیر را می‌پروراندند. علاء در بخشی از گزارشهای خود می‌گوید:

شنیده شده که علیاحضرت ملکه مادر و والاحضرت اشرف قصد دارند به زودی به

۱۴. تاریخ معاصر ایران، (کتاب ششم). انتخابات دوره بیستم قانونگذاری و انجمن شهر تهران. به روایت دکتر ابوالقاسم تفضلی. تهران، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، پاییز ۱۳۷۳، ص ۱۹۳.

۱۵. همان، ص ۱۹۶.

۱۶. همان، ص ۱۹۲ و ۱۹۱.

۱۷. همان، ص ۲۰۲.



حسین علاء، دکتر محمد مصدق و اورل هریمن [۳۷۶۳ - ۴]

ایران مراجعت نمایند. چون حضرات از رویهٔ قدیم خود دست بردار [نیستند] و یقیناً باز آن بساط مداخله در امور سیاسی و جمع کردن دور خود عناصر بدنام را (از قبیل شاهنده - بیوک صابری - نصرتیان - جمال امامی - پیراسته و غیره) تجدید خواهند کرد. صلاح اعلیحضرت در این است که اجازه نفرمایند به ایران معاودت نمایند و اگر آمدند در تهران نباشند.»^{۱۸}

شاید به این دلیل یکی از تمهیدات دربار برای محدود کردن این دخالتها، برگزیدن عروس غیرایرانی برای ازدواج با شاه باشد. گابریل دوسووا، شاهزاده‌خانم ایتالیایی، یکی از این نامزدهای ازدواج با شاه بوده است که علاء در مورد ازدواج شاه با وی و مشکلات آن می‌گوید:

برخی اعتقاد دارند نه پاپ اجازه می‌دهد، نه در ایران علماء و مردم موافقت

می‌نمایند. حتی احتمال می‌رود مایهٔ تضعیف مقام سلطنت و شاید انقراض آن گردد. برخی، برعکس، عقیده دارند اگر چنین وصلتی انجام گیرد فوز عظمی است برای اصلاح دربار و بالا بردن حیثیت آن به شرط اینکه اشخاص ناباب که در مجالس خصوصی شاهنشاه راه دارند برکنار شوند و والا حضرت اشرف از تفتین و شیطنت و سعی در تسلط پیدا کردن بر ملکهٔ آینده خودداری نماید. غیر از این باشد پرنسس ایتالیایی که تربیت شدهٔ محیط نجیب آراسته‌ای است ناراحت و ناراضی می‌شود و بلکه این وضع منجر به طلاق سوم گردد.^{۱۹}

اسناد حاضر، به علت ماهیت گزارشگونه و روزمره‌ای که دارند، در بردارندهٔ مطالب گوناگون و پراکنده هستند و بدیهی است که از نظر اهمیت در یک سطح و یک درجه نیستند و حتی در پاره‌ای موارد هیچ‌گونه اطلاع ارزشمندی به ما نمی‌دهند اما از آنجا که این موارد اندک بوده است استنساخ کامل اسناد، بدون حذف هیچ قسمتی، ارائه شده است.*

□□□

[۱]

دربار شاهنشاهی

۳۰/۷/۱۸

۱/۲ بعد از ظهر

قریان خاکپای مبارک شوم

۱. وزیر خارجه به وسیلهٔ تلفن استفسار نمود اوامر شاهانه در باب مراسم عید سعید مولود (۴ آبان) از چه قرار است. به عقیده دولت چون تصادف می‌کند با ماه محرم و بی‌پولی بهتر است از مهمانی و جشن مفصل صرف نظر شود چه در داخله و چه در خارجه به طور ساده و منحصرأ با دعوت از اتباع ایران برگزار شود. ۲. تلگرافی از دکتر مصدق رسید تقدیم می‌شود و هرطور امر و مقرر می‌فرمایند جواب به توسط وزارت خارجه یا مستقیماً مخبره شود. ۳. سفیرکبیر انگلیس نیم ساعت از ظهر گذشته به ملاقات چاکر آمد؛ اظهار داشت دولت انگلیس مشغول تهیهٔ قطعنامه‌ای است که در

۱۹. سند شماره ۱۲، همین گزارش.

*. از آقای محمد عوادزاده برای ترجمهٔ عبارتهای انگلیسی و فرانسوی سپاسگزاری می‌شود.

موقع طرح در شورای امنیت حتی المقدور مورد مخالفت و veto ی شوروی واقع نشود؛ در این باب با دولت امریکا مشورت می‌نمایند و فرداشب نماینده انگلیس در شورا، سر گلاوین جب (Sir Gladwyn Jebb)، با دکتر مصدق ملاقات و مذاکره خواهد کرد. از متن قطعنامه^{۲۰} اطلاع صحیحی نداشت ولی تقریباً یقین داشتند که ذکری از توصیه دیوان داوری جهانی در آن خواهد شد. ضمناً از طرفین دعوت می‌شود مذاکرات دوستانه را تجدید نمایند. سفیر انگلیس اظهار تمایل نمود که اعلیحضرت همایونی دکتر مصدق را تشویق به ابراز حسن نیت و موافقت بفرمایند. چاکر به سفیر خاطر نشان نمود تا ذکری از توصیه دیوان داوری در میان باشد مشکل است دکتر مصدق موافقت نماید و ظن غالب این است که نماینده شوروی از حق وتو استفاده خواهد نمود. چاکر حالا می‌رود به کاخ گلستان برای روضه‌خوانی و تا ساعت شش و نیم آنجا خواهد بود. الامر اقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع فدوی، حسین علاء

[در حاشیه] I Will be glad to win a job [خوشحال می‌شوم که شغلی دست و پا کنم]

[در پشت سند دستخط محمدرضا پهلوی]

[۳۸۷۰/۱]

۳۰/۷/۱۹

به مصدق جواب داده شود: از تلگرافی که به توسط وزیر خارجه منباخره گردید مسرور شدم. اطمینان دارم در این موقع خطر از هر پیشامدی به نفع مملکت استفاده نموده و قضیه نفوذ را به بهترین وجهی به طریق مذاکرات دوستانه حل خواهید کرد و این مسافرت تاریخی که به شما فرصت می‌دهد که شخصیت خودتان را و همچنین وضعیت ایران را به دنیا نشان دهید انشاءالله با رفاه و سعادت ملت توأم خواهد بود. [در حاشیه] به انتظام^{۲۱} تلگراف شود. انشاءالله کار تمام شود.

[۳۸۷۰/۲]

[۲]

راست است که بعد از یازده سال سلطنت پرمشقت و فداکاری و بردباری، اعلیحضرت همایونی احتیاج مبرم و میل به استراحت و مراجعه به پزشکان متخصص در خارجه داشته ولی باید دانست چرا با وجود موقعیت حساس کشور تصمیم نمودند در

۲۰. قطعنامه درباره لغو امتیاز شرکت نفت و اخراج کارشناسان انگلیسی از آبادان؛ برای آگاهی بیشتر رجوع کنید به: مصطفی فاتح، کتاب پنجاه سال نفت ایران، تهران، شرکت سهامی چهر، ۱۳۳۵، ص ۵۶۸ تا ۵۸۴.

۲۱. نصرالله انتظام، سفیرکبیر ایران در امریکا.

نهم اسفند ماه ۳۱ به اروپا مسافرت فرمایند. جناب آقای دکتر مصدق تا قبل از واقعه تعجب آور جمعه اول اسفند^{۲۲} و عرض پیغام به توسط آقای [حشمت الدوله] والاتبار به پیشگاه همایونی و به ناحق نسبت دادن تمام مخالفت‌های ضد دولت به تحریک و تشویق دربار و تهدید به مراجعه به ملت، شخصاً عقیده نداشته شاهنشاه به خارجه تشریف ببرند اما آن روز بعد از مذاکره با نمایندگان فرaksiون نهضت ملی و منفردین که اهتمام داشتند معظم‌له را از دادن اعلامیه منصرف سازند، موافقت خود را با تشریف بردن اعلیحضرت به خارجه برای چند ماه استراحت و معالجه اعلام و موضوع رفراندم را برکنار گذاشتند. [۳۸۷۱/۱]

[۳]

۳۲/۲/۲۲

۱. با همه نگرانی که از مسافرت اعلیحضرت همایونی به خارجه در آن موقع باریک داشتم چون شاهنشاه با موافقت جناب نخست‌وزیر امر فرمودند که موضوع مکتوم بماند از دادن اطلاع به کسی و جواب‌سؤالات عدّه زیادی از مردم پریشان خاطر خودداری کردم. ۲. من جمله به استفسار سفیرکبیر امریکا که از منابع مختلف خبر مسافرت اعلیحضرت را شنیده بود به طور مبهم پاسخ دادم.

۳. ذات اقدس شاهانه و خودم بیش از هر کس از اجتماع مردم دور کاخ اختصاصی که صبح نهم اسفند، بدون مقدمه و به منظور ممانعت از مسافرت شاه به خارجه، واقع شد متعجب گردیدیم. این بروز احساسات بی‌شائبه و طبیعی مردم را جز به شاه‌دوستی و علاقه مفرط به محمدرضا پهلوی و به استقلال و تمامیت کشور نمی‌توان حمل کرد. اینکه گفته‌اند جمعیت از ارادل و اوباش و چاقوکش مرکب بوده و توطئه قبلاً چیده شده که از مسافرت شاه جلوگیری شود به نظر من مطلبی است به کلی بی‌اساس^{۲۳}. در هر حال از جانب دربار هیچ تحریک و اقدامی به عمل نیامده بود. کسانی که توی جمعیت بودند و عکسهایی که در آن موقع برداشته شد همه حاکی از این است که مرد و زن و بچه همه واقعاً از تشریف بردن شاه متأثر و بیم آن را داشتند که پس از حرکت موکب همایونی

۲۲. «دولت چون می‌دید هر روز دامنه تحریکات وسعت پیدا می‌کند و می‌خواهند موجبات تضعیف او را فراهم سازند ناگزیر شد که از این تحریکات جلوگیری کند. لذا از دربار نماینده‌ای خواستم که وضعیت را به عرض اعلیحضرت برسانم، چنانچه چاره‌جویی نشد ضمن یک پیام مراتب را به عرض ملت رسانم و از ملت کسب تکلیف نمایم. روز جمعه اول اسفند با حضور سه تن از نمایندگان مجلس شورای ملی مراتب به فرستاده اعلیحضرت همایونی گفته شد...» (محمد مصدق. خاطرات و تألمات مصدق. تهران: علمی، چاپ دوم، ۱۳۶۵، ص ۲۱۲).

۲۳. برای آگاهی در این زمینه رجوع کنید به محمد مصدق، ص ۲۶۲ - ۲۶۷.

انقلاب و ناامنی در اکناف کشور رخ دهد.

۴. این احساسات وطن و شاهپرستانه منحصر به پایتخت نبود بلکه از همه نقاط مملکت تلگرافهای زیادی به دربار و دولت و اداره تبلیغات می‌رسید مشعر بر وفاداری ایلات و عشایر و سایر طبقات مردم به شاهنشاه و اظهار نگرانی از قصد عزیمت به خارجه و خوشحالی از انصراف معظم‌له از مسافرت. اهل تهران کمتر متوجه این تلگرافها شده‌اند زیرا که، به دستور دولت، رادیو از انتشار آن خودداری و امساک می‌نمود.

۵. همه می‌دانند که عناصر ماجراجو و فاسد همیشه در کمین و مترصدند از هر پیشامد و موقعی استفاده کرده به مقاصد شوم خویش برسند. حتمی است که عده‌ای از این قبیل اشخاص که با دربار ابداً ارتباطی نداشتند در میان جمعیت رخنه کرده به حرکات زشتی که مورد تقبیح و تنفر عمومی است مبادرت ورزیدند.

۶. به تجربه آموخته‌ام که در ایران حفظ سر بسیار مشکل است. دور نیست از ناحیه مستخدمین دربار که شاهد بستن اسباب بودند و شاید از طرف بعضی وزراء و اعضای فرآکسیون نهضت ملی که از موضوع و تاریخ مسافرت مسبوق بودند صحبت‌هایی در خارج شده باشد که منجر به اطلاع و هیجان عمومی گردید.

۷. از کسانی که در میان جمعیت بودند من جمله مخبرین جراید شنیده شد که برخلاف آنچه نخست‌وزیر گفته است والا حضرت شاهپور حمیدرضا سعی می‌کرد مردم را آرام نماید و قوای انتظامی را به حفظ و حراست منزل جناب نخست‌وزیر تشویق کند.^{۲۴} شخص شخیص همایونی هم مراقبت داشتند که امنیت در اطراف خانه جناب دکتر مصدق کاملاً برقرار باشد مخصوصاً به رئیس ستاد ارتش که برای تودیع شرفیاب شده بود امر فرمودند به اتفاق گارد کاخ اختصاصی به طرف منزل نخست‌وزیر رفته آنجا را محافظت نمایند.

۸. در آن روز نهم اسفند، پس از استماع بیانات جناب نخست‌وزیر در جلسه خصوصی، شخصاً بسیار متأسف شدم از اینکه زحمات دو ساله من به قصد ایجاد حسن تفاهم بین دولت و دربار همه به هدر رفت. با وجود انواع مساعدت و تقویت از طرف اعلیحضرت همایونی، دکتر مصدق باز بهانه‌جویی کرده مسئولیت عدم پیشرفت کار و دانش را ناحق به گردن دربار انداخت و درصدد تضعیف و تحقیر مقام سلطنت برآمد و

۲۴. به نظر می‌رسد که سخنان علاء دربارۀ حمیدرضا و دعوت به صلح و آرامش از طرف او صحت نداشته باشد. حمیدرضا با چه انگیزه‌ای باید از هجوم جمعیت جلوگیری کرده باشد. دکتر محمد مصدق در این باره می‌نویسد: عده‌ای پاسبان در سمت شمال چهارراه حشمت‌الدوله که به طرف خانۀ اینجانب می‌آید بودند و مانع از عبور جمعیت می‌شدند که در این اثنا والا حضرت شاهپور حمیدرضا از آن در خارج شده دلیل توقف قوای انتظامی را در آنجا سؤال کرد و گفت مردم آزادند به هر کجا که می‌خواهند بروند. این بود که پس از مرتفع شدن مانع، جمعیت به در خانۀ اینجانب هجوم آوردند (همان، ص ۲۱۵).

تمام حسن نیت و کمک و معاضدت اینجانب را ندیده گرفت. این بود که ملاقات با نخست‌وزیر را دیگر بی‌فایده دانست و از رفتن به خانه ایشان خودداری نمود. دکتر مصدق ظاهراً هنوز این حقیقت را درک نکرده که شاهنشاه محبوب عامه ایرانیان است و مقام سلطنت از قدیم‌الایام قدرتی در کشور ما دارد و مردم نسبت به آن مقام شامخ که مظهر اتحاد ملی ماست احترام و علاقه مخصوصی دارند. صمیمیت و صداقت به اعلیحضرت و همکاری و توحید مساعی با شاهنشاه که رئیس قوه مجریه است بهترین وسیله پیشرفت کار هر دولتی است.

۹. تأسف من بیشتر از این بود و هست که چرا باید در کشور ما به جای حسن تفاهم و صمیمیت و همکاری و اتحاد، سوءظن و کینه‌ورزی و غرور و نفاق و افترا و تهمت رواج داشته باشد. سایر کشورها اختلافات را کنار گذاشته جداً مشغول اصلاحات اجتماعی و اقتصادی و حسن همکاری و ترقی هستند به قول جناب آقای متین‌دفتری که تازه از مسافرت در هندوستان مراجعت فرموده‌اند: دیگران به «افضلیت و اقدمیت احترام می‌گذارند و اعتماد بین مردم به قدری قوی است که همه جرئت دارند با عدالت و سرعت کارها را فیصله دهند، و بالتیجه نیکنami و وجاهت مخصوص کسانی است که قبول مسئولیت بکنند و مثبت باشند نه کسانی که فکر بکنند اگر کاری انجام ندهند و تصمیمی نگیرند از مسئولیت و مؤاخذه مصون خواهند ماند و این احتراز از مسئولیت را به درجه کارشکنی و خرابکاری برسانند. خلاصه از این مشاهدات و مطالعات به این نتیجه رسیده‌ام مادام که بلاهای اجتماعی را از خود دور نکنیم کار ما به سامان نخواهد رسید.»

[۴ - ۳۸۷۲/۱]

[۴]

دوم شهریور ۱۳۳۲

احتیاج به عرض نیست که چاکر مانند هر فردی از اجزاء ایرانیان حقیقی از قیام مردم شاهدوست برای جلوگیری از اعمال خطرناک مفسدین برای تشریف‌فرمائی اعلیحضرت همایونی به تهران^{۲۵} شاد و شکرگزار بوده از قادر متعال مسئلت دارد شاهنشاه و نخست‌وزیر تازه در تأمین رفاه ملت و آرامش و آسایش و آبادی کشور توفیق حاصل فرمایند. در عین حال نباید راحت شد و تصور کرد که کار، خاتمه یافته و دیگر جای نگرانی نیست؛ برعکس، سزاوار است بیش از پیش هوشیار و مراقب باشیم و از

۲۵. شاه در ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ از رامسر به بغداد رفت و در ۳۱ مرداد به ایران بازگشت.

گذشته عبرت بگیریم زیرا که دشمن آماده و در کمین است؛ از هر فرصت و بهانه استفاده خواهد کرد. مردم ایران هم بیدار شده‌اند و از مسلسل دیگر نمی‌ترسند. خداوند بار دیگر به شاه و کشور ایران رحم فرموده اگر از این فرصت درست استفاده ننمائیم کمونیستها حتماً غلبه خواهند کرد. در این موقع حساس نکاتی چند به نظر فدوی می‌رسد که وظیفه خود می‌داند به عرض برسانم:

۱. نخست‌وزیر عناصر بدنام نادرست را به خود راه ندهد. رجال لایق پاکدامن را که حسن شهرت دارند و تحت نفوذ اجانب نیستند روی کار بیاورند (از قبیل نصرالله انتظام^{۲۶}، عبدالله انتظام، نجم، سروری، ابوالحسن ابتهاج، دکتر اردلان، دکتر محمود افشار، حسنعلی قرآزلو، امیرحکمت، مطیع‌الدوله حجازی، علی‌پاشا صالح، اللهیار صالح، جهانشاه صالح، و محسن رئیس).

۲. اعلیحضرت صمیمانه از دولت پشتیبانی فرمایند. اساساً کمتر اجازه فرمایند مردم متفرقه، مخصوصاً عناصر مارکدار اجنبی‌پرست و انتریک بدخواهان را به خود راه ندهند [بدهند]. رساله‌هایی از اعمال خلاف قانون دکتر مصدق^{۲۷} تهیه و انتشار دهید تا اذهان عامه متوجه حقایق باشد و در این قسمت حجازی می‌تواند کمک نماید.

۳. هرچه زودتر حزب قوی از روی اصول صحیح و مرکب از اشخاص وطن‌دوست برای حفظ مشروطیت و مقام سلطنت تشکیل شود مقابلی [مقابله] با دستجات توده و نیروی سوم و حزب ایران و پان‌ایرانیزم که لابد فعالیت زیاد خواهد کرد.

۴. دولت صریحاً اعلام کند که سیاستش نهضت حقیقی ملت است و عملاً و جدماً در

۲۶. از جمله این خوشنامان نصرالله انتظام است که دکتر قاسم غنی در یادداشت‌هایش بارها به حُسن شهرت و نفوذناپذیری او در برابر اجانب اشاره می‌کند! اینک برای نمونه به یادداشت مورخ ۳۰ خرداد ۱۳۲۹ توجه می‌کنیم: «آقای نمازی تلفن کردند و گفتند که انتظام روابط بسیار حسنه با دولت یهود دارد و چون تقریباً سه سال پیش که به کمیسیون مربوط به فلسطین به آنجا رفت با یهود بست و بند کرد و در خفا برای آنها کار کرد و در موقع آمدن شاه به امریکا قبولاند که مصلحت در شناسایی آنهاست علای سفیه هم پذیرفت او را هم با خود همدست کرد. تف بر این تشکیلات. به پاداش این حماقت آقای علاء شغل سفارت را هم به نمایندگی جامعه ملل او افزود که او هم مایل بود که برای ماستمالی همین کارها ولو چندی باشد سفیر باشد.» (قاسم غنی. یادداشت‌های دکتر قاسم غنی. به کوشش سیروس غنی. تهران، انتشارات زوار، ۱۳۶۷، جلد چهارم، ص ۲۱۴).

۲۷. اتهام دکتر محمد مصدق سوء قصد به منظور برهم زدن اساس حکومت و ترتیب وراثت تاج و تخت و تحریض مردم به مسلح شدن برضد قدرت سلطنت بود. این اتهام از اینجا ناشی شده بود که دکتر محمد مصدق در روز ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ در مقام نخست‌وزیر فرمان عزل خود را از نخست‌وزیری که از طرف محمدرضا شاه پهلوی صادر شده بود مورد قبول قرار نداده و به اجرا نگذاشته بود (محمد مصدق در محکمه نظامی) به کوشش جلیل بزرگمهر. تهران، نشر تاریخ ایران، زمستان ۱۳۶۳، کتاب اول، جلد اول، ص شش.

این راه کار کند. نقشه‌های عام‌المنفعه آبیاری و سدبندی و اصلاحات اقتصادی و اجتماعی به موقع اجرا بگذارد. امریکاییها اگر دیدند که عاقلانه در خیر مردم کار می‌کنیم حتماً کمک مالی خواهند کرد.

۵. شنیده شده که علیاحضرت ملکه مادر و والاحضرت اشرف قصد دارند به زودی به ایران مراجعت نمایند، چون حضرات از رویه قدیم خود دست بردار [نیستند] و یقیناً باز آن بساط مداخله در امور سیاسی و جمع کردن دور خود عناصر بدنام را (از قبیل شاهنده، بیوک صابری، نصرتیان، جمال امامی، پیراسته و غیره) تجدید خواهند کرد. صلاح اعلیحضرت در این است که اجازه نفرمایند به ایران معاونت نمایند و اگر آمدند در تهران نباشند.

۶. اعلیحضرت همایونی متأسفانه از اشخاص غیرصدیق و دورو و متملق ملاحظه و حمایت می‌فرمایند، خدمتگذاران صدیق را می‌یوس و دلسوخته و افسرده می‌فرمایند. بعید نیست با علم به جاسوسی و خیانت ابوالقاسم امینی و هرمز پیرنیا باز آنها را به دربار راه داده مورد تفقد قرار خواهند داد، تا تشویق و مجازات در کار نباشد محال است کار دربار و مملکت اصلاح شود.

۷. بهترین شخص برای اداره امور بانک ملی یا شرکت ملی نفت ابوالحسن ابتهاج است.

۸. خوشبختانه حبیب‌الله آموزگار نگذاشت دستگاه بانک عمران به هم بخورد. مقتضی است اعلیحضرت امر فرمایند به تقسیم املاک ادامه داده شود و آقای اسدالله علم برگردد سرکارش. شادمان را که بدنام است دوباره نیاورند در بانک عمران یا املاک. [۴-۳۸۷۳/۱]

[۵]

یادداشت ۲

[صفحات ۱ و ۳ این سند یافت نشد]

۲. وزیر مشاور انگلیس Erroll که شخصیت دوّم است در Board of Trade [هیئت تجاری] به ملاقات چاکر آمد و منظورش توسعه معاملات تجاری و اقتصادی انگلیس و ایران است. اطمینان داد که سعی خواهد نمود کالای ایران بیشتر در بازار انگلیس رواج پیدا کند. ضمناً اشاره به اهمیت تشویق تولید محصولات بیشتر در ایران نمود. خطر تورم را هم گوشزد نمود. بسیار متأسف بود که به واسطه غیبت موکب همایونی از فیض شرفیابی محروم مانده است.

۳. سلمان اسدی^{۲۸} گزارشی تقدیم کرد که قابل توجه مخصوص است؛ ملاحظه خواهند فرمود که وزیر بازرگانی هنوز در مورد تمرکز خریدهای دولتی مخالفت می‌کند. شاید مصلحت در این باشد که به شرکت معاملات خارجی وابسته به نخست‌وزیر و تحت نظر دکتر اقبال عمل کند.

[۳۸۸۳/۱]

یادداشت ۴

[...] امریکا اعتراض نمائیم. اوضاع ترکیه نیز به نفع ماست زیرا که مکرر از ناحیه ترکها به سیاستمدارهای امریکائی و اروپائی گوشزد شده که از بابت ثبات و امنیت ایران و موقعیت شاهنشاه نگرانی دارند اکنون معلوم شد که ثبات و امنیت و آزادی ایران و محبوبیت شاهنشاه بیش از موقعیت مندرس و اوضاع ترکیه است.

[امضاء] چاکر حسین علاء

[دستخط محمدرضا پهلوی]: از اول قابل مقایسه نبوده من سه دفعه ایران را [از] نابودی حتمی نجات دادم.

۶. چون هوای طهران گرم شده آیا اجازه می‌فرمایند علیاحضرت ملکه ایران زودتر به سعدآباد تشریف ببرند؟

[دستخط محمدرضا پهلوی]: بسته به میل خودشان است.

۷. یادداشتی سفیرکبیر ایتالیا دیروز حضوراً تسلیم نمود راجع به موضوع اختلاف بین ایتالیا و اطریش در باب (Hante adige) عیناً ضمیمه می‌شود تا اگر رئیس‌جمهور یا دولت اطریش چیزی در این باب به عرض برسانند خاطر مبارک ملوکانه از موضوع آگاه باشد و به استدعای دولت ایتالیا به اطریشها پاسخ مرحمت فرمایند که مطلبی است مربوط به اطریش و ایتالیا که باید بین خود تصفیه نمایند.

[امضاء] چاکر، علاء

[دستخط محمدرضا پهلوی]: سفیر ایتالیا اصولاً قدری فضول است و مثل اینکه او در کارهای ما مداخله می‌کند. تصور نمی‌کنم در اینجا این موضوع مطرح شود.

[۳۸۸۳/۲-۳]

۲۸. پسر مصباح‌السلطنه اسدی نایب‌التولیه آستان رضوی.

[۶]

۵ فروردین ۱۳۳۷

۱. سفیر کبیر انگلیس امروز صبح به ملاقات چاکر آمده اظهار داشت خوب متوجه است که تشریف‌فرمایی به لندن در ماه اکتبر یا نوامبر اشکال دارد. خیلی سعی کرده پذیرایی در اواخر سپتامبر صورت گیرد. متأسفانه برنامه ملکه در تمام ماه سپتامبر قبلاً معین شده و از لندن به سفیر دستور رسید اظهار تأسف نماید از این پیشامد. به عقیده سر راجر در صورت اقتضای رأی ملوکانه مسافرت به لندن موکول به سال آینده شود فصل بهار از هر حیث مناسبتر خواهد بود. منوط به اراده شاهنشاه است.

۲. صحبت از ملک سعود به میان آمد که بیشتر اختیاراتش را به برادرش فیصل محول ساخته؛ به عقیده سفیر انگلیس در واقع این اقدام مقدمه کناره‌گیری سعود است. تقصیر با خودش است که گذاشت این همه مصری و اهل سوریه دورش را بگیرند، و مواقع خوبی را برای اثبات قدرت خویش از دست داد، در حقیقت بی‌هوشی و بی‌کفایتی نشان داده است.

چاکر، حسین علاء فردا صبح با اجازه ساعت نه شرفیاب می‌شود.

[۳۸۸۰/۱]

[۷]

۹ اردیبهشت ماه ۱۳۳۷

۱. مطالب مهید^{۲۹} و استدعای شرفیابی قبل از تقدیم لایحه قرارداد نفت با شرکت Standard of oil Indiana - تزویر و ضعف می‌کند - امضای قرارداد گاز و تشکیل شرکت آتشکده - تلگرام دیده می‌شود. لزوم مدارا با ژاپونیا.

۲. سفیر امریکا ظهری به ملاقات من می‌آید اگر فرمایشی هست به او ابلاغ شود.

۳. مطلب سفیر کبیر چین - نشان خانم چک (Grand Cordon of Brilliant jade) - حمایل اعظم یشم سبز درخشان [نشان مخصوصی که تا به حال داده نشده به یک رئیس کشور] - همراه بودن رئیس جمهور - تمثال همایونی برای سفارت ایران در برازیل در ۱۳۲۹ تهیه شده بود با قاب خاتم.

۴. ابتهاج نتوانست در فرودگاه حاضر شود.

۵. حجّار معروف فرانسه (Ravoul) که استدعای دو نیم ساعت وقت شرفیابی

۲۹. احمد مهید کفیل سرکنسولگری ایران در نیویورک.

می خواهد برای تهیه نیم تنه شاهنشاه.

۶. آتش سوزی آبادان: ۳۰ آیا سابوتاژ [خرابکاری] در کار است؟

۷. شرفیابی امینی.

[۳۸۸۲/۱]

[۸]

۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۳۷

۱. استدعای شرفیابی: هاینه - امیر نصرت اسکندری - علامه وحیدی - سید جلال تهرانی.

۲. اجازه ابلاغ تسلیت از طرف شاهنشاه به توسط فرماندار به بازماندگان حاج میرزا سید حسن برقی که وجه [وجهه] داشته در قم.

۳. عرب شیبانی از طرف دولت آمریکا دعوت شده برای دو ماه به امریکا برود؛ اجازه مرخصی استدعا دارد.

۴. عرایض ارسال خلعگیری: سؤال از چنگ کای چک از کیفیت غلبه کمونیستها در چین با حضور کمک امریکا - مطالعه در علل این همه ترقی در ژاپن - در موقع گذرانیدن لایحه نفت کنسرسیوم ارسال خدمت کرده.

۵. کمک به خانم سهیلی.

۶. به انتظام امر بدهند با مهبد همکاری صمیمی بنماید، در قسمت گاز - موضوع منطقه ایتالیا آنها - مذاکره مجدد با ژاپونها تا شرایط بهتری به دست آید.

۷. تشییع جنازه مرحوم سهیلی ساعت ۳ امروز.

۸. بیگلو در رکاب؟

۹. عمارت به جای مهمانخانه فردوسی میزان مساحت؛ زیربنا جمعاً در تمام طبقات بیست هز ار متر مربع با زیر زمین پارکینگ مخارج ساختمان بدون تزئینات سیزده میلیون تومان. سطح زیربنا سه هزار متر؛ ۷۵ درصد از اراضی مدت ساختمان: دو سال - علاوه بر دو بانک و لوازم آنها دو بیست اطاق بورو [دفتر کار] برای تجار مهیا خواهد بود؛ به علاوه مغازه های بزرگ و ویتیرین.

[۳۸۸۱/۱-۲]

۳۰. در ۲۲ فروردین ۱۳۳۷ چهار مخزن نفت در پالایشگاه آبادان آتش گرفت و ده میلیون بشکه نفت خام سوخت و عده ای نیز مقتول و مجروح شدند. باقر عاقلی. روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی. تهران، نشر گفتار، ۱۳۷۰، جلد دوم، ص ۸۷.

۲۹ اردیبهشت ۱۳۳۷

۱. چهار نفر پرفسور عالی مقام امریکایی که از دانشگاههای کالیفرنیا به تهران آمده [اندا] تحقیقاتی راجع به نواقص دانشگاه می نمایند. استدعای شرفیابی در سن فرانسیسکو دارند تا بتوانند گزارش خود را به عرض برسانند.
۲. دیروز برای دفعه اول شورای سلطنتی تشکیل و به گزارشهای مختلفه رسیدگی شد. اوضاع مملکتی کاملاً رضایت بخش و همه از احساساتی که در چین و ژاپن نسبت به شخص اول کشور ما ابراز شد مفتخر و سپاسگزارند.
۳. به قرار اظهار مهبد نسبت به قرارداد نفت با ژاپن و اتمام کار سد لار از طرف شرکت ملی و مهندس میکده کوتاهی می شود. تفصیل را پس از تحقیق به عرض خواهد رسانید.
۴. سرلشگر ارفع از آنکارا اظهار عقیده کرده که به مناسبت هفتاد و پنجمین سال تولد حضرت جلال با یار استدعا شود اجازه فرمایند تلگرام تبریکی از طرف ذات اقدس همایونی مخابره شود. متن تلگرام تقدیم می شود. تا در صورت اقتضاء مقرر فرمایند از توکیو مخابره شود.
۵. چند فقره گزارش وزارت خارجه تقدیم می شود.

[امضاء] حسین علاء

[۳۸۸۴/۱ - ۲]

محرمانه

۳۱ اردیبهشت ماه ۱۳۳۷

۱. چند روزی است پرنس و پرنسس Ruffo di Scilla از دوستان قدیمی سفیرکبیر ایتالیا به طهران آمده در سفارت منزل دارند چاکر را جیاردینی (Giardini) روز شنبه ۲۷ اردیبهشت به نهار دعوت کرد تا با خطرات آشنا شده و در همان موقع موضوع اقتضای زمینه سازی برای وصلتی با پرنسس گابریلا^{۳۱} مطرح شد. چون Ruffo از طرفداران رژیم سلطنتی و طرف اعتماد پادشاه سابق ایتالیاست جیاردینی پیشنهاد کرد که مسافرتی به لیسبون نموده محرمانه با اعلیحضرت صحبت و معلوم دارد مایل به چنین وصلتی هست، آیا می شود ترتیبی داد که در او ان تشریف فرمائی ذات اقدس همایونی به کان

۳۱. این دختر ایتالیایی ماریا گابریلا دوساوا، دختر اومبرتوی دوم، شاه سابق ایتالیا، بود. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی. جلد اول؛ خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست. تهران، اطلاعات، ۱۳۶۹، ص ۲۰۷.

(Cannes) با خانواده‌اش اتفاقاً در آنجا باشند که شاید ملاقاتی حاصل و مجالی برای دیدار شاهزاده خانم باشد؟ Ruffo پیشنهاد دوست قدیمی خود را قبول کرد. در عین حال مشکلات و موانع را از نقطه نظر مذهبی خاطر نشان نمود. مع‌هذا سفیر ایتالیا در عقیده خود راسخ بود و خیال می‌کرد مقدور باشد پاپ اعظم را متقاعد ساخت که لااقل اولاد شاهزاده خانم مسلمان باشد. ضمناً پرنس روفو به چاکر اطمینان داد که سعی خود را در این راه خواهد نمود اما بطور بسیار بسیار محرمانه و اگر به جایی نرسید چند تن پرنس آلمانی سراغ دارد که ممکن است در یکی از قصور باویر (Bavière) که متعلق به یکی از خویشان او است دعوت و به شاهنشاه معرفی شوند. چون اینها کاتولیک نیستند اشکالی در میان نخواهد بود.

۲. می‌کده باز ضعف خود را در مقابل تلقینهای انگلیسیها ابراز می‌دارد و در مذاکره با نمایندگان گرایف دائم اشکالاتی پیش می‌آورد که بسی یأس آنها فراهم می‌شود. بالاخره میانه پاره خواهد شد.

۳. دیروز با عبدالله انتظام راجع به اصرار پروفیسور منوچهر وارسته به مسافرت والا حضرت علی پهلوی^{۳۲} به خارجه صحبت به میان آمد ایشان نیز نگرانند مبدا همان بازیهای چند سال پیش تکرار شود و خانواده یهودی این طفل را بر بایند و مجدداً شروع به تبلیغات و Chantage کنند. اگر در داخله ایران قدرت این را نداشته باشیم که زندگانی و تربیت این جوان را مرتب سازیم در خارجه چه خواهیم کرد؟ اجازه فرمایند تابستان را در شمیران تحت مراقبت و معالجه باشند و بیجهت مخارج گزاف مسافرت به اروپا را متحمل نشده نگذاریم والا حضرت از دستمان برود.

۴. عرب شیبانی امروز صبح از رویه استاندار فارس اظهار نگرانی می‌کرد. توقیف بعضی عناصر که سابقاً خدمت کرده‌اند مانند حسینقلی رستم و حبیب شهبازی و ولی کیانی^{۳۳} صلاح نیست وجود اینها در ممسنی مفید بوده است. طرز توقیف حیات داودی بسیار بد و زننده بوده. از طرف دیگر استاندار در روابط بین مالک و رعیت مداخله می‌کند بلکه رعیت را گاهی تحریک می‌نماید و او را جری می‌کند و از این راه موجبات اختلال را فراهم می‌سازد.

۵. آیا بهتر نیست سفیر کبیر شاهنشاهی در هاوائی اول تشریف‌فرمائی همایونی شرفیاب و کسب دستور و فرمایشات را بنماید؟ گویا خیال دارد در سن فرانسیسکو به

۳۲. علیرضا پیش از بازگشت به ایران در پاریس با یک بیوه لهستانی به نام کریستیانه شولوسکی ازدواج کرد و از او صاحب پسری شد که اسمش را علی پاتریک گذاشت (همان، ص ۱۰۵).

۳۳. از سران عشایر فارس بودند و در ۱۳ مهر ۱۳۴۳ به وسیله دادگاه زمان جنگ شیراز به اعدام محکوم شدند.

این فیض نائل گردد. و منتظر دستور قطعی است.

۶. علی اصغر حکمت جداً مشغول کار و تنظیمات وزارت خارجه است. دارند از او حساب می‌برند - وحید مازندرانی را که آن رفتار عجیب را نسبت به همسر مرحوم سهیلی روا دانست احضار کرده، رکن‌الدین آشتیانی را به لندن فرستاده است.

۷. Herne پیشنهاد خود را به سپهد [عبدالله] هدایت داده؛ حاضر است در صورت تصویب فوراً و جداً شروع به کار نماید و یقین دارد که قادر بر انجام خدمات مهمی خواهد بود با وجود تمام موانع و مشکلات. (رونوشت نامه او ضمیمه است).

۸. عبدالله انتظام (که از قرار معلوم عروسی کرده) از تأسیس بنیاد پهلوی بسیار خوشحال و امیدوار شده و این امر همایونی را خیلی مفید می‌داند به شرط اینکه اجازه فرمایند هیئت مدیره با قدرت کار کند و بدون ملاحظه معایب را برطرف سازد.

۹. عریضه^{۳۴} Elwell Sutton تقدیم می‌شود تا امر مطاع مبارک دایر به اجازه صدور رواید شرف صدور یابد. به عقیده چاکر اکنون که حاضر شده طبق دستور ملوکانه رفتار کند با درخواستش موافقت شود بهتر است.

[امضا] چاکر، حسین علاء

مقرر فرمودند در باب والاحضرت علی مطالعه شود. اگر بشود ایشان را از آن محیط خارج کرد و به مدرسه فرستاد چه بهتر والا همان در تهران بماند.

[۵ - ۳۸۸۵/۱]

[۱۱]

۲۶ خرداد ماه ۱۳۳۷

۱. اکنون که تشریف‌فرمایی به جزیره هاوایی به پایان می‌رسد و به سرزمین امریکا نزول اجلال خواهند فرمود چاکر امیدوار است این مختصر استراحت در نقطه با صفا که مشهور عالم است برای ذات اقدس شاهانه که احتیاج مبرم به آسایش و آسودگی خاطر و قدری ورزش داشت مفید و مطلوب واقع گردیده است. از حالا به بعد دیگر مجال راحتی نخواهند داشت (مگر روی کشتی).

۲. به عقیده چاکر تأخیر در تعیین سفیرکبیر جدید در لندن مضر است مخصوصاً به ملاحظه تشکیل شورای پیمان بغداد در لندن در اواسط ژوئیه از قرار معلوم قدس نخعی تا دو سه روز دیگر وارد طهران می‌شود. اگر صلاح بدانند بهترین مأمور برای لندن ایشان‌اند. البته سید فخرالدین شادمان جداً داوطلب احراز آن مقام می‌باشد و مرد لایق

۳۴. الول ساتن، نویسنده کتاب نفت ایران.

فاضلی است ولی سابقه و تجربه در دیپلماسی ندارد و وجودش در مشهد بسیار مغتنم است.

۳. نخست‌وزیر هنوز کسالت دارد. گاهی تبش پائین می‌آید و بریده می‌شود. بلافاصله درجه بالا می‌رود. عارضه ایشان شبیه به تب مالت است و خیلی ضعیف شده ظاهراً در مدت نخست‌وزیری زیاد به او فشار آمده، و این بار سنگین (که به واسطه مسافرت‌های متعدد در داخله به درجات سنگین‌تر شده) مشارالیه را خسته کرده است.

۴. وسائل پذیرایی از شیخ عبدالله سالم الصباح امیر کویت (که گویا فعلاً در قاهره است) دارد فراهم می‌شود. ۲۴ تیر (۱۵ ژوئیه) وارد می‌شود و پس از سه روز پذیرائی رسمی در طهران میل دارد به رامسر برود برای استراحت. غیر از کاخ صاحبقرانیه جای مناسبی برای اقامت وی و همراهانش وجود ندارد. و برای اینکه به والا حضرت شاهدخت فاطمه بد نگذرد عمارت دربار و خوابگاه به اجازه همایونی به اختیارشان گذاشته می‌شود عمارت دفتر سرهنگ کسروی هم تمیز می‌شود، برای سکونت حمیدرضا.

۵. با همه اصراری که پروفیسور منوچهر وارسته داشت برای مسافرت والا حضرت علی پهلوی به سوئیس بالاخره دستگیرش شده که فامیل شلوسکی این طفل معصوم را گروگان مقاصد شوم خویش قرار داده حتماً به شانتاژ متوسل و رویه سفت‌سکی^{۳۵} اختیار خواهند نمود. بنابراین با اجازه ملوکانه از این مسافرت منصرف و در شمیرانات محلی برای استراحت و ایام تعطیل والا حضرت انتخاب خواهد شد. ضمناً جا دارد مراقبت بیشتر بنمائیم مبادا این باند یهودی نظر داشته باشد که علی پهلوی را ناگهان از طهران به فرانسه ببرد. وارسته در ضمن صحبت تلفنی شنیده بود که خواهر مادر والا حضرت (خانم پرفیسور فرهمند) به کسی در اطاقش گفته بود: *Nous devons nous débarrasser de ce chien* [باید خودمان را از شر این سگ خلاص کنیم] و حدس می‌زند مقصود خانم خود ایشان بوده است!

۶. علم چند روز قبل که چاکر را ملاقات کرد سؤال کرد خیال می‌کنید اعلیحضرت همایونی در مراجعت از مسافرت اجازه فرمایند افراد حزب مردم شادی خود را به وسیله حضور در مسیر موکب مبارک ابراز دارند؟ به قرار معلوم می‌توانند هزاران نفر حاضر کنند. حزب اکثریت (ملی) البته نمی‌تواند چنین تظاهری بنماید از این جهت شاید مناسب نباشد، بعلاوه اینکه هوا خیلی گرم خواهد بود. موکول به اراده و فرمان شاهانه است.

۷. آذری از اهواز آمده می‌گوید در همه جا و همه وقت طبق منویات همایونی در

۳۵. گویا این کلمه برای طنز به کار رفته باشد.

مقابل تجاوزات و نفع‌پرستی متنفذین برای حفظ حقوق و مصالح ضعفا و زیردستان مبارزه کرده و می‌کند. از رویه استاندار و حمید بختیاری تنقید می‌کرد.

صمصام در کاخ سلطنتی منزل کرده، او ارتش را آنجا تشکیل داده. اخیراً (۱۸ خرداد) چکی از شهرداری به مبلغ ۴۲ هزار تومان دریافت کرده به عنوان «پذیرایی از الاحضرت و شخصیت‌های دیگر» در صورتیکه والاحضرت غلامرضا فقط یک شب در اهواز مانده و دیگران حق ندارند به خرج شهرداری مهمان استاندار بشوند.

۸. آیت‌الله شهرستانی آمده به تهران و به تقاضای خودش طبق اجازه‌ای که همه ساله مرحمت می‌فرمایند وسیله عزیمت ایشان و همراهانش را به مشهد فراهم کردیم که خیلی عرض اخلاص و دعاگویی دارد. می‌گوید دشمن بزرگ ایران در عراق شیخ علی شرقی وزیر مشاور است که خود را به نوری سعید نزدیک کرده و مرد بدی است. حق این است که خود شهرستانی با سابقه وزارت فرهنگ و وزیر مشاور می‌بود تا بتواند نصایح صحیح به نفع ایران به نوری سعید و ملک فیصل بدهد.

۹. بزرگ‌نیا نماینده مجلس شکایت می‌کرد از اینکه در کمیته مرکزی حزب ملی جوانهای بی‌تجربه مانند دکتر کاسمی و رضائی و غیره گذاشته‌اند و به اشخاصی مانند دکتر امیرحکمت و خودش راه نداده‌اند. از این جهت خیلی‌ها از حزب ملی دلتنگ‌اند و در جلسات حاضر نمی‌شوند.

۱۰. رئیس مدرسه سن لوئی، Joseph le Cunuder آمده بود راجع به زمینی که به امر همایونی بنا بود دولت برای ساختمان مدرسه تازه‌ای به مشارالیه واگذار نماید کمک دربار را مجدداً بطلبد. معلوم می‌شود تا به حال نه از ارتش نه از دولت نتیجه‌ای نگرفته. اگر اجازه فرمایند از ارضی که امیر حکمت به فرمان خسروانه از بانک کشاورزی گرفته مقداری برای این منظور خیر با شرایط مساعدی به مدرسه سن لوئی فروخته شود. یا اینکه باغ نیاوران را که متعلق به هنرستان دختران است بعد از تخلیه از طرف دکتر یزدی به فرانسه‌ها اجاره بدهیم - منوط به فرمان شاهنشاه است.

[امضا] چاکر، حسین علاء

[در حاشیه] ۱۹۵۸/۶/۲۲ راجع به ماده ۶ فرمودند بهتر است علاوه بر حزب مردم سایرین هم شرکت کنند یعنی به سازمان امنیت و شهربانی تذکر داده شود که اقدام کنند. راجع به ماده ۱۰ فرمودند بهتر است از اراضی بانک کشاورزی داده شود. [امضا ناخوانا]

[۳۸۸۹/۱ - ۵]

دیروز به دعوت دُلرس به سفارت کبرای ایتالیا رفته یک ساعت صحبت شد و نکات برجسته بیانات معزی‌لیها از این قرار بود.

۱. تأثیر خبر ورود پرنس ویکتور امانوئل به طهران و احتمال وصلت شاهنشاه با خواهر معظم‌له در میان نمایندگان سیاسی خارجه یکسان نبود: بعضیها خیلی تعجب کرده باور نمی‌کنند که چنین چیزی امکان داشته باشد. چطور می‌شود شاهزاده خانم مسیحی آن هم کاتولیک با شاه مسلمان ازدواج کند؟ نه پاپ اجازه می‌دهد نه در ایران علما و مردم موافقت می‌نمایند. حتی احتمال می‌رود مایه تضعیف مقام سلطنت و شاید انقراض آن گردد. برخی برعکس، عقیده دارند اگر چنین وصلتی انجام گیرد. فوز عظمی است برای اصلاح دربار و بالا بردن حیثیت آن به شرط اینکه اشخاص ناباب که در مجالس خصوصی شاهنشاه راه دارند برکنار شوند و والاحضرت اشرف از تفتین و شیطنت و سعی در تسلط پیدا کردن بر ملکه آینده خودداری نماید. غیر از این باشد پرنسس ایتالیائی که تربیت شده محیط نجیب آراسته‌ای است ناراحت و ناراضی می‌شود. و بلکه این وضع منجر به طلاق سوم گردد. اندیشه دیگر سفرا این است که شرکت پرنسس ایتالیایی در تخت و تاج ایران سبب خواهد شد عده زیاد [ی] ایتالیائی برای کسب و کار و عقد قرارداد به امید استفاده از نفوذ ملکه به ایران هجوم بیاورند و این به ضرر سایر کشورها و شاید هم بالاخره به بی‌اعتباری ایتالیا تمام می‌شود.

۲. در محافل ایرانی روشنفکر موضوع خوب تلقی شده خوشحالند که اعلیحضرت همایونی همسر ایرانی اختیار نمی‌فرمایند و به این سبب جلوگیری می‌شود از حسد و انتریک داوطلبان مایوس و ناراضی و توقعات فامیل و اقوام نوعروس، ازدواج شاه با پرنسس خارجه را علامت ترقی و تعالی کشور و ارتقاء ایران در خارجه می‌دانند. اغلب تصور می‌کنند که چنین وصلتی شانس بزرگی است و موجب سعادت و فیروزی ذات اقدس شاهانه خواهد بود ولی همین ایرانیها بیم آن را دارند که والاحضرت اشرف و بلکه علیاحضرت ملکه مادر در زندگانی شخصی شاه مداخله نمایند و بار دیگر روزگار تلخی برای اعلیحضرت و همسرشان فراهم سازند. دُلرس که از اول طرفدار عروسی گابریلا با شاهنشاه بود چون از راسل (Russell) شنیده که مخبر مخصوص Daily Mail به تهران آمده برای کنجکاوی و نوشتن مقاله هیجان‌آمیز (Sensational) عقیده دارد مصلحت در این باشد که اعلامیه داده شود به جرائد که پرنسس ایتالیائی مهمان والاحضرت عبدالرضا بوده و برای شکار و اسکی به طهران آمده بود. پنهان کردن موضوع بیشتر سبب سوء تعبیر می‌شود. راسل می‌ترسد باز در جرائد انگلیسی مقالات نامطلوبی

منتشر شود. کاردار ایتالیا گزارش به دولت متبوع خود داده از آمدن ویکتور امانوئل و عکس‌العمل آن در محافل دیپلماتیک طهران - خانم سفیرکبیر ایتالیا مذاکره و مشاوره با Zanini (نماینده پاپ) را مفید می‌داند زیرا که Internonce خیرخواه و مساعد با این وصلت می‌باشد. دُلرس شنیده است که سردار فاخر حکمت و سیدضیاءالدین هر دو مخالفانند و نتایج خوبی از این زناشویی پیش‌بینی نمی‌نمایند. چاکر گمان می‌کند اعلیحضرت همایونی متوجه و مستحضر باشند که جز سعادت و خرسندی شاهنشاه چیزی را آرزو ندارد و اگر در این موقع خاص و حساس جسارت ورزیده نکاتی را به عرض می‌رساند از فرط اشتیاق به تأمین خوشی و راحتی و آسودگی خاطر ذات اقدس شهریاری است.

این دفعه بر همه خدمتگزاران واجب است حداکثر تلاش را بنمایند تا محیط و کانون Foyer خانوادگی محبوب مطبوعی مصون و محفوظ از کشمکش و انتریک برای اعلیحضرت همایونی فراهم شود. در این راه، موفقیت منوط به کمک و اراده شاهنشاه است که مداخله و شیطنت اعضای خاندان سلطنت را جداً ممانعت فرمایند. قبل از آمدن پرنسس محیط مجالس خصوصی را تصفیه فرموده اشخاص ناباب بی‌تربیت و دانش را (که در خارج شهرت بدی دارند) مرخص فرمایند. (از قبیل جمشید بختیار و شاه‌پری و رفیق مشارالیها، حاجبی و سیلویا Sylvia) و غیره. ببه عدل، فلیکس آقایان، امیرعلائی) به جای مجالس قمار و دلقک‌بازی و [استریپتیز] (Striptease) مشغولیت سالم و معقول intellectuel (فکری) ایجاد فرمایند از قبیل تئاتر و کنسرت و مجلس رقص و بریج و سخنرانی و سینما و غیره طوری نشود که پرنسس گابریلا، از اول ورود، سُکه و ناراحت شود. اجازه فرمایند این شاهزاده خانم از محرمهای خودش چند نفری همراه بیاورد تا دل‌تنگ نشود و البته عده‌ای از بانوان و دوشیزگان نجیب ایرانی افتخار همدمی و خدمتگزاری را داشته باشند. (از قبیل خانم بلی بهرامی فرمانفرمائی‌ان (خواهر اسدالله علم)، خانم علم، ستاره فرمانفرمائی‌ان، لیلی خانم عزیز فرمانفرمائی‌ان، خانم دکتر صدر (آلمانی)، خانم دکتر آموزگار (آلمانی)، ایران اسکندر فیروز)، خانم مهرانگیز دولتشاهی، بانو آیتا ابوعضد (اهل چیلی) [احتمالاً شیلی]، خانم توری عضدی، دوشیزه عزیزه عضدی و غیره - در مراسم و تشریفات و تشکیلات دربار (با در نظر گرفتن اصول سلطنت سابق ایتالیا و دربار فعلی بلژیک) تجدیدنظر شود. در حقیقت یک محیط تازه باوقاری به وجود بیاید. قلی ناصری در کاخ اختصاص نظارت داشته باشد برای ریاست دفتر ملکه؛ دکتر صدری یا دکتر صناعتی یا دکتر بهادری یا دکتر حافظ فرمانفرمائی‌ان، یا دوشیزه عزیزه عضدی مناسب‌اند. به قرار معلوم دُلرس و راسل را بدواً به بال ماسکه دیشب در کاخ والا حضرت شمس شفاهاً دعوت کرده بودند. بعد هم بنا بود کارت بفرستند که نفرستادند ولی در مورد راسل به او تلفن شد که حتماً بیاید سپس مجدداً

تلفن کردند که چون بال ماسکه موکول به زمان دیگر شده معذرت می‌خواهیم. امانوئل راسل خوب می‌داند که مهمانی دیشب برقرار شد و بسیار از این رفتاری که نسبت به او شده متأثر گردیده است گفته است Je ne suis pas une crapule que L'on traite de cette facon [من یک هرزه نیستم که این‌گونه با من رفتار می‌کنید.] چاکر از این همه فضولی و جسارت که صرفاً از نظر خیر و صلاح مقام سلطنت به عرض رسید طلب عفو دارد و معذرت می‌خواهد.

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

[امضا] فدوی، حسین علاء

[۶ - ۳۸۹۱/۱]

[۱۳]

۹ فروردین ماه ۱۳۳۸

۱. راجع به استدعای مهبد که افتخار التزام رکاب مبارک را در لندن داشته باشد تحقیقاتی به عمل آمده معلوم گردید معرفی ملتزمین و برنامه لندن و دانمارک قطعی و رسمی نشده چاپ کرده‌اند ولی معرفی اشخاص و برنامه در هلند و بلژیک هنوز قطعی و رسمی نشده جا دارد تغییرات و اضافاتی بعمل آید بنابراین، منوط به امر همایونی است. به عقیده چاکر مهبد می‌تواند کارش را هر چه باشد در محافل تجارتي و اقتصادی انجام دهد بدون اینکه در رکاب شاهانه باشد. در هلند و بلژیک صورت دیگری دارد چون مهبد ارتباط کامل با ساختمان و به آب انداختن نفتکش حائز است و از طرف دیگر با ملکه الیزابت آشنایی دارد و می‌تواند در بروکسل مفید واقع شود.

۲. سفیرکبیر آلمان به ملاقات چاکر آمد، امروز صبح. اظهار داشت Erhard^{۳۶} مایل است به ایران بیاید و مخصوصاً سؤال می‌کند در چه موقع امکان دارد شرفیاب شود. چاکر جواب داد مطلب به عرض خواهد رسید ولی تصور نمی‌کنم تا مراجعت از سفر اروپا یعنی در حدود اوایل یا اواسط ژوئن مجالی برای شاهنشاه باشد. خود سفیر هم عقیده داشت قدری عقب بیفتد تا کاری انجام گیرد، و دست خالی نیاید به طهران بهتر است.

۳. قرار است امروز تهرانی^{۳۷} را ملاقات کند تا وی را برای قبول نیابت تولیت آستان قدس رضوی متقاعد سازد - آیا مانعی دارد با داشتن و حفظ مقام سناتوری به مشهد رهسپار گردد؟

۳۶. لودویک ارهارد وزیر اقتصاد و معاون صدراعظم آلمان غربی.

۳۷. سید جلال‌الدین تهرانی سفیر سابق ایران در بلژیک و سناتور انتصابی آذربایجان.

۴. کاردار سفارت جمهوری دومینیکن استدعای افتخار شرفیابی دارد برای عرض مسائل مهم اقتصادی من جمله آماده بودن دولت متبوعش برای ساختن کارخانه تصفیه قند خام در ایران به خرج خودشان.

۵. سفیر کبیر ایتالیا اجازه می‌خواهد نشان Commandeur de L'ordre du m̀erite de la R̀epublique italienne [نشان درجه عالی لیاقت جمهوری ایتالیا] را که از رُم فرستاده‌اند به دربار رخصت تسلیم نماید.

[امضا] چاکر، حسین علا

[۲ - ۳۸۹۲/۱]

[۱۴]

۱۲ فروردین ماه ۱۳۳۸

۱. سفیر کبیر بلژیک امروز صبح به ملاقات چاکر آمد و اطلاع داد که پادشاه بلژیک بسیار مشعوف می‌شود از اعلیحضرت همایونی پذیرایی رسمی بنماید، از نهم تا یازدهم ژوئن؛ و دولت بلژیک استدعا دارد هر چند روز که میل دارند برای بازدید مؤسسات و کارخانجات و غیره مهمان دولت باشند؛ یا قبل یا بعد از پذیرایی رسمی، موکول به اراده ملوکانه است - سفیر بلژیک انتظار ابلاغ مقتضای رأی مبارک را دارد هرچه زودتر به بروکسل جواب بدهید.

۲. موضوع کمیابی بلکه نایابی گوشت بسیار مهم شده و موجب عدم رضایت شدید مردم گردیده. کمک بزرگی می‌کند به تبلیغات مخرب شورویها. این یکی از آن مسائل است که توجه بیشتری از طرف دولت لازم دارد و متأسفانه به بی‌اعتنایی می‌گذرد. اشخاص بدنام [که] سر این کار هستند مورد اطمینان مردم نیستند: غیائی و عقیلی شرکت گوشت تشکیل داده‌اند و مردم می‌گویند مبلغی در ماه پول می‌دهند به حزب ملیون - طلب چوبدار را نمی‌پردازند؛ از این جهت گوسفند نمی‌آورند برای فروش. شرکت خلیج هم، که ظاهراً دولت (و حتی گفته می‌شود شاهنشاه) در آن سهیم‌اند، مقدار زیاد گوسفند به قیمت ارزان می‌خرد و به قیمت گراف به کویت و شیوخ بنادر می‌فروشد. همه اینها دست به هم داده اوضاع ناگوار فعلی را تولید کرده و کسی به داد مردم نمی‌رسد.

۳. سفیر کبیر انگلیس ظهری اینجا بود و اطلاع داد که علیاحضرت ملکه انگلیس نظر دارد مقام افتخاری Honorary chief in Marshal of the R.a.f^{۳۸} را به اعلیحضرت همایونی تقدیم نماید. منتظر است بداند آیا شاهنشاه قبول می‌فرمایند این مقام را، و آیا می‌تواند

۳۸. Royal Air Force (نیروی هوایی سلطنتی انگلیس).

جواب مثبت به لندن بدهد؟

۴. سفیر کبیر انگلیس به طور خصوصی اظهار عقیده می‌کرد که اقتضا دارد در رادیو ایران حقایق امور در مقابل دروغهای رادیو مسکو گفته شود تا مردم باور نکنند تبلیغات شوروی را- قصد روسها به هم زدن اوضاع داخلی ایران است و از هر عدم رضایت استفاده می‌نمایند. اگر سکوت اختیار کنیم بالاخره بعد از مدتی مردم باور خواهند کرد. حرفهای غرض‌آمیز شورویها را. معینان می‌گویند امر فرمودند بی‌اعتنائی شود و جواب داده نشود به تبلیغات شوروی. به نظر چاکر مصلحت در این است که اجازه فرمایند بدون اینکه صورت جواب دادن به مسکو باشد حقایق گفته شود تا مردم گول نخورند.

۵. سفیر کبیر انگلیس اظهار می‌دارد چون نشان زانویند را طبق مقررات ملکه نمی‌تواند تقدیم کند بنابراین بین دو رئیس کشور مبادله نشان واقع نمی‌شود ولی مانعی نیست که اجازه فرمایند به ملتزمین رکاب نشان انگلیس داده شود و در مقابل نشان ایران به محترمین انگلیس اعطا گردد.

۶. سفیر کبیر دانمارک صبح اظهار داشت که با دولت هلند موافقت شد که ناو جنگی هلندی به بندر Aarhus بیاید عوض Copenhagen. این بسیار خوب شده زیرا که نقاط با صفا [ی] دانمارک را به این ترتیب بیشتر خواهند دید و احتیاج به مراجعت به پایتخت نخواهد بود. اگر اعلیحضرت مخالفتی ندارند به همین نحو عمل شود.

[امضا] چاکر، حسین علاء

[۴ - ۳۸۹۳/۱]

[۱۵]

۱۳ تیر ماه ۱۳۳۸

۱. حمزوی و Richard Kallsen و مخبر Columbia Broad casting انتظار دارند مقرر فرمایند دو روز قبل اطلاع بدهند چه روزی و در چه ساعت اجازه می‌فرمایند در قصر رامسر شرفیاب شوند برای مصاحبه و فیلم‌برداری. [دستخط محمدرضا پهلوی] پنج‌شنبه در رامسر باشند.

۲. نماینده روزنامه Le Monde [لوموند]، Eric Rouleau [اریک رولو] اجازه می‌خواهد در هر نقطه از مازندران مقرر فرمایند شرفیاب شود. [دستخط محمدرضا پهلوی]: لازم نیست.

۳. S. Van Ravesteyn Head Commercial department of K.M " Deschelde " Vlissingen

[رئیس اداره بازرگانی ...] آمده به تهران در اختیار شاهنشاه است برای استماع فرمایشات راجع به سفارش نفتکش.

[دستخط محمدرضا پهلوی:] لازم نیست.

۴. دکتر جهانشاه صالح و چند نفر از اساتید دانشگاه طهران دیروز به ملاقات چاکر آمده راجع به تأسیس یک دانشگاه ملی در طهران بر وفق اصول مدرن Anglosaxon صحبت کرده‌اند از طرف اشخاص معارف پرور ذی‌علاقه وعده اعطای زمین و مساعدتهای دیگر داده شده. می‌خواهند بدانند اعلیحضرت همایونی در این باب چه نظری دارند؛ اجازه می‌فرمایند به استظهار کمک معنوی ذات اقدس شهریاری مشغول تهیه مقدمات کار بشوند یا خیر؟

[دستخط محمدرضا پهلوی:] موافقم.

۵. دیشب در منزل سپهبد باتمانقلیچ با حضور رئیس اصل ۴ و نماینده مؤسسه فرد و مهندس آهی جلسه‌ای تشکیل شد برای مطالعه طریقه تسریع در عمران و آبادی دهات طبق آنچه در هندوستان (تحت ریاست نهرو) و در فیلیپین و ژاپن عمل شده و نتیجه خوب داده شده است. همه متفق بودیم که امید توفیق در این راه منوط [است] به توجه مخصوص شاهنشاه و قبول ریاست عالییه سازمانی که در وزارت کشور مستقلاً کار کنند گزارشات خود را به پیشگاه ملوکانه تقدیم نمایند. همه عقیده داشتند که مهندس آهی از هر کس دیگر شایسته‌تر است برای احراز مقام مدیریت این سازمان. گزارشات دقیق در دست تهیه است و به زودی تقدیم خواهد شد.

[امضا] چاکر، حسین علاء

[دستخط محمدرضا پهلوی:] در تهران مطالعه خواهد شد.

[۳ - ۳۸۹۴/۱]

[۱۶]

۱۶ تیر ماه ۱۳۳۸

۱. جعبه قرمز را دیروز صبح حاضر کرده بود که تقدیم شود، متأسفانه به هواپیما نرسید. از سفارت انگلیس فیلم تشریف‌فرمایی شاهنشاه به لندن فرستاده‌اند، اگر در نوشهر یا رامسر وسایلی برای نمایش آن موجود است تقدیم شود والا نگاه داریم تا بازگشت موکب همایونی.

[دستخط محمدرضا پهلوی:] باشد تا مراجعت.

۲. چون به طوری که دیروز به عرض رسید دکتر عبده واقعاً ناخوش است و با این حال نمی‌تواند وظایف خطیر خود را انجام دهد به نظر چاکر بهترین شخص برای جانشینی معزی‌الیه قدس نخعی است. حمزوی می‌تواند در مراجعت به امریکا از لندن عبور کرده قدس را متقاعد نماید زودتر بیاید به طهران. از او گذشته البته آرام هم خوب است ولی هنوز آن شخصیت را ندارد که برای مقام وزارت خارجه لازم است. برای

معاونت وزارت خارجه خسرو افشار لیاقت دارد؛ ممکن است به صدر، مأموریتی در خارجه داده شود.

۳. دیروز در لویزان lavie saine در باغ دکتر عیسی صدیق کمیته‌ای مرکب از تقی زاده، علی پاشا صالح، شبیانی (وحیدالملک) و چاکر تشکیل شد برای مطالعه در باب تجلیل صدمین سال تولد پرفسور بران (Edward Brown) دانشمند و مستشرق بزرگ انگلیسی. این طور به نظر آمد که با اجازه اعلیحضرت همایونی از طرف دولت لایحه قانونی به مجلس پیشنهاد شود مشعر بر اینکه سالی معادل پانصد لیره تأدیه شود برای تأمین مخارج یک نفر محقق ایرانی یا انگلیسی که در دانشگاه کمبریج (Cambridge) تحقیقاتی در باب زبان و ادبیات و تمدن ایران بنماید.

۴. راجع به عدم رضایت محصلین از سرپرستی [جهانگیر] تفضلی سابقاً عرض کرد که با بودجه سنگینی نتیجه‌ای که شاهنشاه در نظر داشتند گرفته نشده؛ وجوه بیشتر برای خوش‌گذارنی تفضلی صرف می‌شود. چون تمام قصد چاکران تخفیف جریان بدبینی و تنقید و عدم رضایت می‌باشد جا دارد شاهنشاه موضوع را در نظر بگیرند؛ با صرفه‌جویی؛ خدمت بیشتر و بهتری انجام گیرد.

حمزروی به اتفاق او آقای C.B.S فردا صبح در رامسر شرفیاب می‌شوند. همچنین نماینده Le Monde، Rouleau.

[دستخط محمدرضا پهلوی:] این موضوع معلوم نیست صحت داشته باشد.

[امضا] چاکر، حسین علاء

[۲ - ۳۸۹۶/۱]

[۱۷]

۱۷ تیر ۱۳۳۸

۱. احمد قدیمی از کراچی آمده عرایض مهمی دارد. مستدعی است اجازه شرفیابی مرحمت فرمایند یا در نوشهر یا اگر به زودی موکب همایونی به طهران مراجعت می‌فرمایند در سعدآباد. می‌گوید موقعیت ایوب خان [رئیس‌جمهوری پاکستان] روز به روز محکمتر می‌شود. با کمال قدرت جلوی فساد را گرفته، عده زیادی از کارمندان عالی‌رتبه را برکنار کرده. امریکائیه‌ها به رغبت کمک خود را به پاکستان زیاد خواهند کرد. جواب محکمی که به سناتورها داده سبب شده که رانتری (Rountrie) [معاون وزارتخارجه امریکا] در واشنگتن گفته نهایت احترام را به فائدین پاکستان داریم و حاضر به مساعدت هستیم. قبل از اول مرداد قدیمی مرخص خواهد شد که در کراچی باشد موقع ورود هیئت ایرانی برای مذاکرات مربوط به امنیت.

[دستخط محمدرضا پهلوی:] پس ما نیز باید با امریکائیه‌ها محکم صحبت کنیم.

۲. نمایندهٔ پاپ نیز استدعای شرفیابی دارد برای درخواست اجازه مرخصی. به عقیدهٔ چاکر اقتضا دارد تمثال مبارک به معزی‌الیه مرحمت شود. زیرا که در مدت مأموریت خود خیلی کار کرده.
[دستخط محمدرضا پهلوی:] وقت معین شود.

۳. معلوم می‌شود دکتر جمشیداعلم در جنگل‌ساعی سابقاً زمین‌گرفته و مشغول ساختمان است. در نیاور ان‌هم باکمال پروائی مو[ی] دماغ‌شده مجدداً سوء استفاده کرده است.
۴. فروهر از جنوب فرانسه تلفن کرده پس از ملاقات با گرایف و مذاکرهٔ مفصل به اخذ نتیجه امیدوار است منتها چون اغلب شرکای گرایف به تعطیل رفته‌اند و پراکنده هستند استدعا کرده شاهنشاه دستور صادر فرمایند دولت موافقت کند سه هفته مهلت بدهند تا بتواند جواب قطعی بدهد. به عقیده چاکر بعد از این همه معطلی و بردباری از طرف گرایف سه هفته مهلت داده چیزی نیست و مانعی ندارد؛ موکول به اراده ذات اقدس همایونی است. منتظر اعلام فرمان خسروانه است.
[دستخط محمدرضا پهلوی:] به دولت اطلاع داده شود.

[امضا] چاکر، حسین‌علاء

[۲ - ۳۸۹۸/۱]

[۱۸]

۱۷ تیر ماه ۱۳۳۸

۱. سفیرکبیر سوئد دیروز به ملاقات چاکر آمد و خواهش کرد به عرض برساند که پادشاه سوئد بسیار خوشوقت می‌شود اگر چنانچه ممکن است شاهنشاه دعوت او را بزرگی باز دیدی از سوئد در ماه مه سال آینده قبول فرمایند. چاکر جواب داد که اعلیحضرت همایونی بهترین احساسات را نسبت به پادشاه و کشور سوئد دارند و مایل‌اند آن سرزمین زیبا را بازدید فرمایند. موضوع به عرض می‌رسد تا راجع به تاریخ مسافرت، امر ملوکانه صادر شود.

۲. ضمن صحبت، چاکر از سفیر پرسید آیا مذهب خاندان سلطنت سوئد کاتولیک است یا پروتستان؟ پاسخ دادند مذهب رسمی سوئد Luthérien [لوترین] یعنی شعبه‌ای از پروتستانیزم می‌باشد، و همیشه مخالف با پاپ بوده‌ایم مخصوصاً جنگ‌های ما بر علیه Catholicisme [کاتولیسیم] بوده و قانوناً باید حتماً اعضای خاندان سلطنت Luthérien باشند. بنابراین معلوم نیست مهید به چه مناسبت به عرض علیاحضرت ملکه پهلوی رسانیده بود که پرنسهای سوئدی کاتولیک هستند.

۳. کار به کجا رسیده که نخست‌وزیر به سرلشگر (منصور) مزین می‌گوید «شما نروید

به اصفهان تا [سرتیپ عباس] فرزندگان درباب عملیات شما تحقیقاتی بنمایند!! همه مقامات از [سیدمهدی] میراشرافی حقه‌باز ملاحظه دارند و مرد درست شاهدوستی مثل مزین باید ممنوع شود از مسافرت و از او سلب آزادی نمایند.

۴. عبدالوهاب اقبال امیرالحج امروز صبح به ملاقات چاکر آمد. مأموریت خود را به خوبی و آبرومندی انجام داده. نامه‌ای از ملک مسعود دارد که هر موقع اجازه فرمایند شرفیاب شده تقدیم کند. اگر تشریف‌فرمائی در شمال طولانی خواهد بود اجازه فرمایند در نوشهر یا رامسر شرفیاب شود.

۵. آیا سزاوار است اصلاً در جشن انقلاب و قتل پادشاه و خاندان سلطنت^{۳۹} و نخست‌وزیر عراق شرکت نمائیم؟ در جرائد نوشته‌اند که سفیرکبیر ایران در بغداد مأموریت دارد در این جشن شرکت نماید.

[امضا] چاکر، حسین علاء

[۳۸۹۷/۱ - ۳]

[۱۹]

۱۲ دی ماه ۱۳۳۸

۱. پادشاه اردن اصلاً به طهران نیامد؛ مستقیماً از استانبول به عمان پرواز نمود. چاکر به‌تصور اینکه از طرف دولت یا مقامات نظامی موضوع به‌عرض رسیده‌گزارشی تقدیم ننمود. ۲. وزارت خارجه در برنامه خود چهارشنبه را برای شرفیابی نخست‌وزیر سوئد معین کرده بود. حسب‌الامر تذکر داده شد که عوض چهارشنبه روز بعد را یا ۱۶ دی درنظر بگیرند. برنامه اصلاح شد ولی متصدی امر در وزارت خارجه تغییر روز را به رادیو اطلاع نداد.

۳. از همه طرف راجع به لایحه قانون اصلاحات اراضی اظهار نگرانی می‌کنند و می‌گویند منویات همایونی به این نحو اجرا نخواهد شد و به هدف عالی که از دیاد تولید و بهبود اوضاع کشاورزی است نخواهیم رسید. عقیده دارند مقرر فرمایند به وسیله مطلعین بی‌غرض تجدیدنظر بشود.

[امضا] فدوی، حسین علاء

[۳۹۰۰ - ۱]

۳۹. اشاره به کودتای ۱۹۵۸ عراق و قتل ملک فیصل پادشاه عراق و نوری السعید نخست‌وزیر آن کشور و اعلام رژیم جمهوری به وسیله ژنرال عبدالکریم قاسم و سرهنگ عبدالسلام عارف است.

۱. بحمدالله تعالی مسافرت موکب مبارک به سوئد به خوبی و خوشی انجام گرفت و به زودی رهسپار بلژیک خواهند شد. یقیناً این تغییر محیط و خلاصی از خستگیها و مزاحمتهای تهران برای مزاج و روحیه شاهنشاه مفید خواهد بود. ضمناً تشریف‌فرمائی اعلیحضرت همایونی به کشورهای خارجه بهترین و مفیدترین تبلیغات است برای ایران.

۲. «گابریل» (Gabriel)، خیاط از خانوادهٔ محترم عراقی، که در انقلاب آن کشور تمولش را از دست داد و اکنون مشغول تجارت است در ایران، آمده بود نزد چاکر و محرمانه اظهار می‌داشت که حتماً وقایعی در عراق رخ خواهد داد. قاسم دیر یا زود از میان خواهد رفت. پس از حالا باید در فکر حکومت آتیۀ بغداد باشیم. خیاط قصد دارد زُل (نقش) مهم مؤثری در این تحول داشته باشد و می‌خواهد نخست‌وزیر دورهٔ قدیم را (جودت) روی کار بیاورد ولی بیم دارد رویۀ خویش با آنچه را سپهد [تیمور] بختیار مشغول اقدام است اصطکاک پیدا کند؛ عقیده دارد بختیار به اشتباه می‌رود و با افراد نامناسب کار می‌کند. چاکر به او جواب داد صلاح در این است که مطالب خود را به بختیار بگوید و با ایشان همکاری نماید.

۳. فرمایشات همایونی به ارباب جراید راجع به پایین آوردن هواپیمای امریکایی از طرف شورویها بسیار متین بود.^{۴۰} فعلاً روابط بین دو کشور بسیار تیره و نامطلوب است ولی تصور نمی‌رود که این کیفیت مانع از تشکیل کنفرانس سران جهان گردد؛ شاید سبب شود که آیزنهاور از مسافرت به مسکو منصرف شود.

۴. اوضاع ترکیه بدتر از آن است که تصور می‌رفت. عدم رضایت از دولت فعلی عمیقتر از آن است که به روی خودشان می‌آورند. رویه دیکتاتوری میندرسی و خفه کردن جراید و سلب آزادی بیان عقیده مخصوصاً رفتاری که با عصمت اینونو شده دانشجویان را متغیر و متنفر کرد، و احتمال قوی می‌دهند که تغییراتی در ترکیه ظاهر خواهد شد. حالا باید همه، من جمله امریکاییها، متوجه باشند که سیاست دموکراتیک شاهنشاه چقدر عاقلانه است. همیشه Souipape de surete [سوپاپ اطمینان] را باید حفظ کرد تا انفجار روی ندهد. باید فهمید علت عدم رضایت مردم چیست، و در صدد اصلاح

۴۰. شاه در ۱۷ اردیبهشت ۱۳۳۹ در مصاحبه‌ای گفته است: «ما ... برای اثبات حسن‌نیت خودمان موافقت نکردیم پایگاههای پرتاب موشک برد بلند در خاکمان ایجاد شود. ما این کار را از آن لحاظ نکردیم که تحت فشار باشیم، بلکه با میل و برای نشان دادن حسن‌نیت خودمان این کار را کردیم». (محمدرضا پهلوی، مجموعهٔ تألیفات، نطقها، پیامها، مصاحبه‌ها و بیانات محمدرضا پهلوی. تهران، شرکت چاپ کیهانک، ج ۳، ص ۲۳۵۸).

نواقص برآمد. باید مبارزه با فساد بلاثر نماند و اصلاحاتی که در نظر گرفته می‌شود فقط روی کاغذ نباشد. محافل ذی نفوذ نباید اقدامات اعلیحضرت همایونی و دولت را خشتی کنند. عناصر نادرست فاسد را باید از ارتش مرخص کرد تا روحیه morale قوای دفاعیه کشور بالا برود و امریکاییها در دادن اسلحه مدرن بیشتر اطمینان پیدا نمایند. توجه عموم مردم به انتخابات آینده معطوف است. با کمال بدبینی به عملیات احزاب مخصوصاً حزب ملیون می‌نگرند. می‌گویند این دفعه انتخاب نتیجه بدتر از پیش خواهد داد زیرا که عناصر بسیار نامطلوب وارد حزب ملیون شده‌اند. و تلاش وافر دارند وکیل شوند من جمله: شاهنده بدنام، میراشرفی بیشرف، قنات‌آبادی رسوا، عمید نوری پولکی و غیره و غیره. اگر واقعاً باید این اشخاص را راضی کرد پولی به آنها بدهند یا ملکی چرا مجلس را به وجود کثیفشان آلوده می‌کنند؟ مجمع چایخورها از روی کمال خیرخواهی صورتی تهیه کرده از مردمان درستکار خوشنام (از داخل و خارج مجلس) که تقدیم خواهد شد.

۵. مهید حقیقتاً مزاحم شده بس که مغرور و جاه طلب و متظاهر است. جرائد و مجلات را وادار به نوشتن مقالات تند و حمله‌آور به کنسرسیوم می‌کند. عکس خود را هنگام شرفیابی حضور شاهنشاه در ایتالیا می‌دهد چاپ می‌نمایند. گوش به حرف کسی نمی‌دهد و همه جا می‌گوید که به دستور صریح شاهنشاه این انتشارات باید ادامه پیدا کند و گویا سعی کرد با وزرای خارجه انگلیس و امریکا در طهران ملاقات کند آنها به او وقت ندادند. اگر در این راه به فعالیت خود ادامه بدهد چون به ضرر اصل منظور و به ضرر اعلیحضرت همایونی خواهد بود شاید صلاح باشد مقام «مشاور عالی» را از او سلب فرمایید.

۶. هوای تهران خیلی گرم شده است؛ امید است باز بارانی بیاید.

۷. دولت امروز صبح رهسپار خراسان گردیده و تا ده روز از طهران غایب خواهد بود. منصور و آموزگار و خسرو هدایت و دکتر هدایتی مانده‌اند چون لوایحی در مجلس دارند.

چاکر، حسین علاء

[۵ - ۳۹۰۱/۱]

[۲۱]

۲۲ اردیبهشت ۱۳۳۹

۱. سفیر ایتالیا اطلاعاتی از رم دریافت کرده حاکی از قدری نگرانی نسبت به تبلیغات شدید بر ضد کنسرسیوم نفت در ایران با تصدیق اینکه بایستی سهم بیشتری به ایران

بدهند. این تظاهراتی را که مهبد به نام شاهنشاه می‌نماید مضر تشخیص می‌دهند و به نفع مقام سلطنت نمی‌دانند. الحق مهبد زیاده‌روی می‌کند و زیاده از حد برای خودنمایی نزدیکی خود را به اعلیحضرت همایونی جلوه می‌دهد حالا هم رفته به اروپا و معلوم نیست آنجا چه دسته‌گلی به آب خواهد داد.

[دستخط محمدرضا پهلوی:] توسط سرلشگر نصیری به شما دستوراتی دادم چه شد؟
۲. کاردار سفارت دمنیکن (رژن برگ) هم انتشارات مضر در محافل نمایندگان سیاسی طهران می‌دهد. همه جا گفته است که شاهنشاه در شرکتی که برای تصفیة قند تشکیل داده شریک هستند در صورتی که اصلاً او و زنش که جزو کُر دیپلماتیک‌اند حق ندارند داخل در امور تجارتي و صنعتی بشوند. چاکر تصور نمی‌کند که شهرتِ شرکتِ شخصِ شخیصِ ملوکانه در کارهای رُزن برگ صحت داشته باشد، و اگر اجازه می‌فرمایند از این تبلیغات کاردار جلوگیری شود. از قرار معلوم گفته است که تا دو سه روز دیگر عازم اروپاست چون شاهنشاه احضارش فرموده‌اند.

[دستخط محمدرضا پهلوی:] بنا بود بنیاد پهلوی مطالعه کند و مثل این است که این کار صورت نگیرد. به هر صورت من شخصاً هیچ دخالتی ندارم.

[امضا] چاکر، حسین علاء

[۲] - ۳۹۰۲/۱

[۲۲]

۲۵ اردیبهشت ماه ۱۳۳۹

۱. قبل از زیارت هر تلگرافی راجع به مهبد خود چاکر جدا با مشارالیه مذاکره کرد. توضیح داد که اگر این رویه خودسرانه را تعقیب و به این نحو تظاهر نماید مقام مشاوره از او سلب می‌شود. مهبد تصدیق کرد که مجله ایران مصور [!] زیاده‌روی کرد، و منکر شد چنین اطلاعاتی را به اختیار آن مجله گذاشته باشد، ضمناً اصرار داشت بگوید که آنچه اقدام می‌نماید به دستور صریح شاهنشاه است. روز بعد که چاکر می‌خواست مجدداً با مشارالیه تماس گیرد گفتند به عجله به خارجه مسافرت کرده به اروپا و امریکا رفته و معلوم نیست کجاست. بنابراین اگر اجازه می‌فرمایند فرمان مبارک را به وسیله سفرای شاهنشاهی در مراکز اروپا و امریکا به مهبد ابلاغ خواهد نمود.

[۳] - ۳۹۰۳/۱

[دستخط محمدرضا پهلوی:] مهبد دستور دارد که ببیند که چطور می‌شود سهم ایران را بیشتر کرد نه اینکه عکسهای خود را منتشر کند یا با روزنامه تماس بگیرد یا کسی را تهدید کند.



دربار شاهنشاهی

یادداشت محض بنام پادشاه شاهنشاهی
تاریخ ۲۲ کرمانشاه ۱۳۲۹

با سفر کسری لطیفی از طبع عالی از سر دریا کرد و در
که از این نسبت به بیگانه به چند کسری بدینیت
با صدق است که این کسری به این کسری از نظر الاماره
به این بنا به این نسبت به این کسری به این کسری
نمی آید - این کسری از در کسری در کسری
مرد نه به نزدیکی کسری کسری کسری کسری
رکبه به دریا معلوم است که از کسری کسری
با کار در سعادت زمینکن از کسری کسری

بزرگوار است که این کسری را در کسری کسری



دربار شاهنشاهی

یادداشت ۲ تاریخ ماه ۱۳۲۹

مصرف در این کسری که ساسی طرا به به
که شایسته در کسری که کسری کسری کسری
در هر کسری که از کسری کسری کسری کسری
در کسری که از کسری کسری کسری کسری
نمی کند که کسری کسری کسری کسری کسری
صحت در کسری کسری کسری کسری کسری
حد کسری کسری کسری کسری کسری
عازم از کسری کسری کسری کسری کسری

بزرگوار است که این کسری را در کسری کسری

دیشب بعد از شام در باشگاه شاهنشاهی اتوموبیلرانی، سفیر کبیر انگلیس چاکر را کنار کشید اظهار داشت: امید واثق دارم که به پیشگاه اعلیحضرت همایونی شرفیاب شوم، ولی مطالبی وجود دارند که نمی‌توانم به شاه بگویم زیرا سیاست راسخ و خلل‌ناپذیر ما، مخصوصاً از سال ۱۹۵۴، بر این قرار گرفته است که در امور داخلی ایران دخالت نکنیم و مطلبی که الان به شما می‌گویم سخنان یک دوست است نه سخنان سفیر انگلستان: هفته‌های آتی به خاطر برگزاری انتخابات در ایران، هفته‌های بسیار حساسی هستند. البته نیز می‌دانید که مردم چه می‌گویند. هر چند شرایط ایران فرقی با شرایط کره یا ترکیه ندارد ولی حوادث اخیر عواقب خود را در ایران به بار خواهد آورد. و باید بخاطر داشت که رژیم سابق ترکیه تا آخرین لحظات بر شرایط مسلط بود. نیروهای زیرزمینی و عوامل ناراضی که اخیراً رشد قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند مشتاقانه به نظاره نشسته‌اند تا فرصت ایجاد و مزاحمت بیابند و انتخابات، زمینه چنین کاری را برای این نیروها بوجود می‌آورد. هرکاری که می‌کنید از انتخابات تقلبی پرهیز کنید (اغوی افکار با استفاده از روشهای فریبده) البته ما می‌دانیم که انتخابات کاملاً آزاد امکان ندارد ولی باید سعی شود که تا حد امکان آزادی انتخابات رعایت شود. واضح است که تحت قدرت یک حزب اکثریت امکان برگزاری انتخابات آزاد وجود ندارد و نگرانی زمانی بیشتر می‌شود که عده‌ای عناصر ناباب نیز بخواهند به منظور راهیابی به مجلس به ملی‌گراها متوسل شوند. برای رفع تمام این نگرانیها عاقلانه‌ترین است که انتخابات تحت نظارت دولت مغرض و انتقالی فعلی در موعد مقرر انجام نشود. دکتر اقبال خصوصیات مثبت زیادی دارد و سختکوش است ولی به نفع او خواهد بود که حتی بطور موقت خود را کنار بکشد. این دو حزب ممکن است ائتلاف کرده و رویه‌ای انحصارگرایانه را در پیش بگیرند. بدین ترتیب که در یک حوزه انتخابیه مشخص تنها یک کاندیدا از هر حزب معرفی شود، و مردم کسی را که ترجیح می‌دهند انتخاب کنند (بدون اینکه کسی فشاری به آنان تحمیل کند.) موضوع دیگری که ذهن خیرخواهان رژیم را نگران می‌کند این واقعیت است که تمام آنچه که انجام می‌شود تحت نام شاه بوده و باعث می‌شود که شاه در مظان اتهام قرار گیرد. در قبال خیلی از مسائل نادرستی که حادث می‌شود شاه سرزنش می‌شود. در واقعیت امر، شاه مصون از اشتباه است و وزراء در قبال مجلس مسئول هستند. بگذارید آنها مسئولیت خود را با شجاعت و بدون درخواست فرمان و دستوری از اعلیحضرت انجام دهند.

۲. در نتیجه مذاکره با چند نفر از نمایندگان مجلس از قبیل تیمورتاش، اصلان افشار،

رضائی، امیر حکمت، رامبد، فتح الله فرود و غیره که با مردم تماس نزدیک دارند نگرانی از بابت انتخابات و احتمال زد و خورد به واسطه دو دستگی حزبی و آمادگی عناصر ماجراجو برای استفاده از موقع برای تولید انقلاب کاملاً تأیید می‌شود. صلاح را در این می‌دانند که دولت تازه‌ای روی کار بیاید و انتخابات را بیطرفانه و حتی‌المقدور آزادانه اداره نماید تا عناصر خوشنام مورد اعتماد در تهران و شهرستانها برگزیده شوند، و از ورود اشخاص بدنام و مفسد جلوگیری به عمل آید. ضمناً می‌گویند خوب است شاهنشاه رؤسای دو حزب را احضار فرموده دستور اکید صادر فرمایند ائتلاف کنند و در هر حوزه انتخابیه داوطلبان خود را مشخص نمایند، و بگذارند مردم بدون فشار، شخص موردپسند و اطمینان خود را انتخاب کنند. عقیده ندارند تأخیر یا فترتی در کار صلاح باشد، و این دفعه واجب است از هرگونه مداخله در صندوقهای رأی جلوگیری شدید بشود. اظهار می‌دارند خیلی مایه تعجب و یأس خواهد بود. اگر عناصر درست و پاک و مفید مانند فرود و عرب شیبانی و رامبد و ارسلان خلعتبری کنار گذاشته شوند و مردان فاسد مانند شاهنده و میراشرفی و شوشتری و قنات‌آبادی و عمیدی نوری کرسی مجلس را اشغال نمایند. اضافه می‌کنند فراموش نشود که حزب ایران خود را منحل شده نمی‌داند و قصد دارد در انتخابات شرکت کند و ادعا می‌نماید که تمام محصلین دانشگاه را همراه خود دارد.

[امضا] چاکر، حسین علاء

[۶ - ۳۹۰۴/۱]

[۲۴]

۱۶ شهریور ماه ۱۳۳۹

۱. حسب الامر از کاشانی و منصور نظر خواسته شد راجع به تصویبنامه سود بازرگانی: هر دو ضرورت اقدام دولت را تأیید نموده تذکر دادند که نظریات اقتصادی دکتر اعتبار قدری کهنه است و با اوضاع کنونی وفق نمی‌دهد.

۲. دکتر کاظمی که مدت‌هاست در قسمت کشاورزی سازمان برنامه خدمت لایق کرده داوطلب تصدی وزارت کشاورزی است؛ اگر اجازه می‌فرمایند در این باب با نخست‌وزیر مذاکره شود.

[دستخط محمدرضا پهلوی:] بهنیا معین شده است.

۳. دکتر صورتگر با چاپخانه بانک ملی و صنعتی‌زاده راجع به طبع ترجمه کتاب شاهنشاه مذاکره کرده است. مؤسسه انتشارات فرانکلین زودتر و بهتر کار را انجام می‌دهد. [دستخط محمدرضا پهلوی:] برای تسریع به تدریج که ترجمه حاضر می‌شود چاپ شود.

۴. مخبر مخصوص نیویورک تایمز، Waltz، دیروز به ملاقات چاکر آمد و مفصلاً با او در اطراف انتشارات زنده و بی‌قاعده و بی‌اساس جراید و مجلات امریکا و اروپا صحبت شد. البته خیلی میل داشت شرفیاب شود. تصدیق کرد آنچه شهرت می‌دهند با اوضاع حقیقی ایران مطابقت ندارد. وعده اقدام در انتشار مطالبی به نفع ایران داد.

[امضا: چاکر، حسین علاء]

[در حاشیه] امیدوار است هوا مساعدست و از قدری استراحت بعد از نگرانیها و خستگیهای اخیر استفاده می‌فرماید.

پس از ملاحظه مقاله سیاسی *Times* مجدداً به قدس تلگراف شد نکات بی‌اساس دیگر را در نامه به تایمز بگنجانند و در این امر تسریع نماید.

[۲ - ۳۹۰۵/۱]

[۲۵]

۱۷ شهریور ماه ۱۳۳۹

خواهند فرمود: «هر دفعه می‌رویم برای قدری استراحت و انصراف از محیط مسموم تهران فلانی گزارشات وحشت‌انگیز و ناگوار می‌دهد و راحتی را از ما سلب می‌نماید». چاکر با کمال اکراه ولی برحسب وظیفه واجب و ضروری می‌داند حقایق تلخی را به عرض برساند. سکوت در این ایام بحرانی خیانت است:

۱. از قرائن به نظر می‌رسد مرکز انتشارات مغرضانه و عاری از حقیقت در تهران است و سازمان امنیت و اطلاعات وظیفه دارد آن کانون فساد و توطئه را کشف و نابود سازد. این موج اخبار زنده و دروغ که تمام جراید اروپا و امریکا را پر کرده و ایرانیان مقیم خارجه را نگران و متأثر ساخته از تهران چشمه گرفته است. البته در پاریس و امریکا هم ایرانیان خائینی هستند که انتریک می‌کنند و اطلاعات مضر به روزنامه‌نویسها می‌دهند ولی مرکز اصلی تهران است و باید بیش از این توجه داشت تا از میان برود. از طرف دیگر در مقابل این انتشارات و تبلیغات ناروا لازم است یک نفر شخص با سررشته در امور مطبوعاتی و مطلع از اوضاع ایران برود به اروپا و همه جا مصاحبه مطبوعاتی بدهد و مقاله بنویسد و در تلویزیون حاضر شود تا حقایق پخش و از شهرتهای نادرست محو گردد و این کار را باید قبل از هجوم مخبرین جراید به تهران در موقع تولد نوزاد ارجمند انجام داد. به نظر می‌رسد که شجاع‌الدین شفا بتواند از عهده این مأموریت برآید در اروپا و حمزای^{۴۱} در انگلستان. بچه‌هایی را که معینان می‌خواهد بفرستند چندان مفید

۴۱. عنایت حسین علاء به عبدالحسین حمزای سابقه‌ای دیرینه دارد. غنی می‌نویسد: «هر چه به او [علاء]

نخواهند بود؛ اغلب نه زبان خارجه خوب می‌دانند نه در این کار ورزیده‌اند. سفرای ایران هم که در این راه به خود زیاد زحمت نمی‌دهند. اگر اجازه می‌فرمایند پیشنهاد فوق به موقع اجرا گذاشته شود.

[دستخط محمدرضا پهلوی:] اقدام شود.

۲. انتخابات آینده دارای اهمیت زیاد و نشانه حسن نیت و لیاقت و قدرت رژیم خواهد بود. این دفعه نگذارند کار خراب شود. اعمال نفوذ بیجا، تحمیل اشخاصی که مورد اطمینان مردم نیستند، و [از] دخل و تصرف در صندوقهای رأی جداً ممانعت گردد. نقشه صحیحی قبلاً ریخته شود تا انتخابات به بهترین وجه انجام گیرد و بی‌طرفی رعایت شود و بهترین افراد مورد اعتماد مردم برگزیده شوند. از هر استانی یک نفر شخص برجسته و امینی محرمانه مورد مشورت قرار گیرد. فهرستی از عناصر پاک و با حسن شهرت محل به عرض برساند. انتخابات روی آن زمینه اجرا شود. اگر واجب می‌دانند احزاب بمانند؛ طوری بشود که کاندیداهای آبرومند و مردم‌پسند معرفی شوند. برای ریاست حزب ملیون جم را برقرار فرمایند. تکرار بی‌مبالا تها و بی‌ترتیبهای سابق نتایج وخیمی خواهد داشت. [دستخط محمدرضا پهلوی:] بهتر است فقط در قسمت مقتضی اقدام شود.

۳. اوضاع اقتصادی بدتر از آن است که تصور می‌رفت. ارزهای زیادی که داشتیم تفریط شد و امروز مضیقه عجیبی ظاهر شده؛ نه ارز داریم نه ریال. تجار بازار یکی بعد از دیگری ورشکست می‌شوند. بیم آن می‌رود که اضافه زیاد بر سود بازرگانی هزینه زندگانی را به مقدار گزاف بالا ببرد احتیاج به متخصص داریم برای مطالعه دقیق در این اوضاع و پیشنهاد راه علاج. اگر تصویب می‌فرمایند جهانگیر بوشهری را بخواهند بیاید و نظر بدهد؛ تدابیر سریعی اتخاذ شود برای رفع بحران.

۴. برای سفارت مسکو و مذاکره با شورویها نصرالله انتظام که با آنها در سازمان ملل تماس نزدیک داشته به نظر مناسب می‌آید و بیشتر مورد احترام و توجه خواهد بود.

۵. فکری برای سرپرستی و هدایت دانشجویان شود. محصلین برای تفضلی که بیشتر در فکر راحتی و خوشی خودش است احترام و حرف شنوی ندارند. پول زیاد به اختیار او گذاشته شده به مصرف صحیح نمی‌رسد. همه جا دانشجویان ناراحت و ناراضی هستند.

۶. آیا به دستگاه سازمان امنیت اطمینان کامل دارند؟ این همه نماینده همه جا، در داخله و خارجه، دارند چه خدمتی انجام می‌دهند؟ شخص رئیس سازمان پی ازدیاد

تلقین می‌کنند می‌گیرد. مملکت دارد می‌سوزد، او می‌خواهد سالی صد هزار به دست یک نفر از عمال انگلیسی که ۲۲ سال در لندن بوده به نام حمزوی در امریکا خرج کند برای اداره اطلاعات که قطعاً مطابق میل انگلیسیها خواهد بود و دو دلیل دارد یکی اینکه ترکها اداره اطلاعات دارند دوم اینکه در وزارت خارجه به او گفته‌اند حمزوی باهوش است. (غنی، جلد چهارم، ص ۱۴۴ - ۱۴۵)

تمول و تصرف املاک دیگران است. این همه مال و منال و خانه را از کجا آورده است؟ قانون را باید در مورد ایشان اجرا کرد.

۷. در آلمان و ایتالیا احتیاج دارند به مأمورین لایق و بیدار و فعال؛ دو مرکز مهم دنیا هستند که می‌توانند کمک معتنابه به ایران بنمایند.

۸. دکتر رام با حال پکر و افسرده امروز صبح نزد چاکر آمده معلوم شد بانک عمران راه بهبهانیان سپرده‌اند و خدمات شبانه‌روزی رام را در نظر نگرفته‌اند. بعد از استقلالی که داشته و زحماتی که کشیده سزاوار نبود دفتر مخصوص کاغذ خشکی به او بنویسند که بانک عمران به مدیرعامل بنیاد پهلوی سپرده شده است بدون ذکر قدردانی از زحمات رام. چاکر مکرر به عرض رسانیده که دستگاه بهبهانیان منظم نیست؛ زیاد کار به عهده گرفته، نخواهد توانست بار را به منزل برساند^{۴۲} qui trop embrasse mal entreint قبل از آنکه کار به ورشکستگی برسد فکر [ی] برای اصلاح امور باید اندیشید. از این همه جسارت معذرت می‌خواهد.

[الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع]

[چاکر، حسین علاء]

[دستخط محمدرضا پهلوی] پیشنهاد خود رام بود، برای بنیاد پهلوی پنج مدیر لایق در نظر گرفته خواهد شد.

[۶ - ۳۹۰۶/۱]

[۲۶]

۲۲ شهریور ۱۳۳۹

۱. پگف سفیرکبیر دولت جماهیر شوروی ظاهراً تا چند روز دیگر وارد تهران می‌شود و لابد استدعای شرفیابی خواهد نمود. به عقیده قاصر چاکر این دفعه اجازه نفرمایند وزیر خارجه و نخست‌وزیر مسئولیت مذاکرات با شوروی را به مقام سلطنت محول سازند و خود را کنار کشیده اعلیحضرت همایونی را هدف قرار دهند. برعکس، امر مقرر فرمایند سفیرکبیر به وزیر خارجه مراجعه نماید و صبر کند تا ایشان از نیویورک مراجعت کنند، عجله در کار نشان ندهیم - همان ایستادگی و استقامت در مقابل تبلیغات و حملات همسایه شمالی سبب شده که با تغییر دولت حاضر به مذاکره شوند و روی خوش نشان می‌دهند.

۴۲. ضرب‌المثل فرانسوی: هر کس چندین کار را همزمان عهده‌دار شود هیچ کدام را به سر منزل مقصود نخواهد برد.

[دستخط محمدرضا پهلوی]: خودم بهتر از هر کس می‌دانم چه بگویم و چه کار کنم.

۲. پریشب مستشار سفارت امریکا یاتسویچ در منزل چاکر مهمان به شام بودند. درباب تغییر دولت و انتخابات و مراجعت پگف مطالبی عنوان کردند. مستشار از دکتر اقبال تعریف می‌کرد و استقامت وی را در مقابل شورویها می‌ستود. برعکس، یاتسویچ^{۴۳} رویه نخست‌وزیر مستعفی را که تمام مسئولیتها را به گردن شاهنشاه می‌انداخت و پیوسته متوسل به عوامل ملوکانه می‌شد تکذیب می‌نمود، و مخصوصاً از اعمال نفوذ دکتر اقبال در انتخابات و سلب آزادی که منتهای آرزوی شاهنشاه بود ملامت می‌کرد. هر دو [ای] این اعضای سفارت امریکا از سرلوحه‌های جرائد تهران حاکی از شروع مذاکره با پگف و مساعدتهائی که روسها خواهند کرد اندیشه داشته، تا مبادا باز این دفعه بدون اطلاع متحدین تعهدات مضرى تحمیل گردد. کمک اقتصادی شوروی را بدون شرایط سیاسی حرفی ندارند ولی تعهد کتبی راجع به پایگاه و مرکز پرتاب موشک موجب توجه و نگرانی است زیرا که می‌دانند دولت شوروی از چنین سندی در عمل سوء استفاده خواهند نمود.

[دستخط محمدرضا پهلوی]: هیچ چیز به اندازه سیاست امریکا و مخصوصاً جرائد آنها به من صدمه نمی‌زند.^{۴۴}

۳. رئیس دانشگاه به عرض می‌رساند که جشن دانشگاه اول مهر تصادف می‌کند با روز جمعه اجازه می‌فرمایند همان روز برگزار شود، یا اینکه موکول گردد به عصر دوم مهر؟

[دستخط محمدرضا پهلوی]: اول مهر مانعی ندارد.

۴. آرام پس از بازگشت موکب همایونی استدعای شرفیابی برای کسب دستور خواهد کرد تا زودتر رهسپار بغداد شود. چون به تأکید مخصوص پزشک معالج (دکتر فرگیز) مجبور است باز تحت معالجه قرار گیرد (و عضدی او را به نیویورک همراه نمی‌برد) بعداً درخواست مرخصی و اجازه مسافرت به امریکا خواهد نمود.

۵. گارلند هاپکینز (Garland Hopkins) رئیس کمیته همکاری مسلمانان با عیسویان وارد تهران شده استدعای شرفیابی دارد. چون مسافرت مفصلی در افریقا کرده و اطلاعات بسیار قابل توجهی از اوضاع تمام کشورهای تازه مستقل آن قاره و تشبثات و

۴۳. گراتیان یاتسویچ در پوششی دیپلماتیک در اصل از سال ۱۳۳۶ تا ۱۳۴۳ رئیس سیادر ایران بوده است.

۴۴. اگرچه فشار جناح دموکرات امریکا به کشورهایی مانند ایران برای ایجاد فضای باز سیاسی به مثابه واکنشی حسابگرانه در برابر نفوذ کمونیزم با تداوم و بقای این حکومتها همسویی داشته، اما دور از انتظار نیست که به علت تضاد این سیاست با ماهیت حکومتهای فردی موجبات نارضایتی نه چندان جدی این حاکمیتها از جمله شاه را فراهم کرده باشد.

تلقینات و انتریکهای شورویها دارد به نظر چاکر شرفیابی او و عرض نکات سودمند خالی از اهمیت نیست.

۶. وزیر امور خارجه دیروز تلفن کرد که وزیر نفت ونزوئلا (Venezuela) که در کنفرانس بغداد شرکت کرد و بنا به دعوت شرکت ملی نفت به تهران می‌آید استدعای شرفیابی دارد. آیا اجازه می‌فرمایند شنبه صبح یا عصر در نوشهر به این فیض نائل گردد؟ یا شاید قبل از شنبه نزول اجلال خواهند فرمود؟
[دستخط محمدرضا پهلوی:] شنبه عصر به تهران مراجعت می‌کنم.

۷. در خاطر مبارک باشد که ۲۶ شهریور رؤسای باشگاههای تاج اجازه شرفیابی حاصل نمودند، و ۲۷ شهریور از مؤسسات راه‌آهن بازدید خواهند فرمود.
۸. بحرالعلوم استدعای شرفیابی دارد. و برای عرض نظریات راجع به انتخابات از آنجا که در مجلس عراق نماینده بود ممکن است عرایض مفید واقع شود: باز هم اصرار دارد سرکنسولگری ایران در بغداد خانه او را برای مدت مدیدی اجاره کند؛ ظاهراً اوضاع مالی اش سخت شده احتیاج مبرم به مساعدت دارد.
[دستخط محمدرضا پهلوی:] لزوم ندارد.

۹. شهاب خسروانی به تهران آمده قبل از مراجعت به ژنو استدعای اجازه دستیبوسی دارد.

۱۰. خداداد فرمانفرمائیان استدعا دارد موقعی که خسرو هدایت شرفیاب می‌شود اجازه فرمایند خودش و سیروس سمیعی نیز حضور داشته باشند برای عرض گزارش کار. اگر هم اجازه می‌فرمایند دکتر سیروس سمیعی به جای دکتر مقدم (که گویا امر فرمودند به قائم‌مقامی بانک مرکزی منصوب گردد). به سمت معاون فنی وزارت بازرگانی برقرار شود.

[دستخط محمدرضا پهلوی:] مانعی ندارد.

[امضاء] حسین علاء

[۳۹۰۷/۱ - ۶]

[۲۷]

۶ بهمن ماه ۱۳۳۹

۱. سفیرکبیر امریکا به تهران مراجعت کرده فردا عصری به ملاقات چاکر خواهد آمد. اگر اوامری دارند برای مذاکره به مشارالیه ابلاغ خواهند فرمود.

۲. وزیر فرهنگ از بابت عدم موافقت شاهنشاه با معاونت فنی دکتر صنایعی بسیار افسرده است و استدعا دارد تجدیدنظر فرمایند حمزای که مدتها در لندن با صنایعی آشنا بوده اطمینان می‌دهد که این شخص شاهدوست و وطن‌پرست است و با کمونیستها

هیچ رابطه نداشته است. عقیده همه بر این است که صنایع مردی است فاضل و وجودش در وزارت فرهنگ مفید خواهد بود.

۳. منوچهر ریاحی در نظنز زمینی دارد - اهل آنجا و صاحب ملک است - استدعا دارد توجه بشود به حفظ آزادی و جلوگیری از اعمال نفوذ مهدی نمازی و دیگران.

۴. نامه مبارک به کندی تهیه و امید است تا عصری برای توشیح تقدیم شود.

۵. البته در اخبار صحیح به سمع مبارک رسیده که، در مصاحبه مطبوعاتی، کندی گفته که شورویها خلبانان امریکایی را (که در دریای بالتیک فرود آمدند و محبوس بودند) آزاد می‌کنند و این زمینه مساعدی برای مذاکرات بین امریکا و شوروی تولید می‌نماید.

۶. از قرار معلوم، دانشجویان دانشگاه امروز به مناسبت اعتراض به جریان انتخابات تعطیل می‌کنند و فردا احتمالاً باز میتینگی به توسط دکتر بقایی یا دیگران داده می‌شود. این دفعه بهتر است که خبر ر اخودمان در دنیا پخش نمائیم؛ نگذاریم دیگران سوء تعبیر نمایند.

۷. منوچهر قراگزلو هنوز ناامید و سرگردان است؛ معلوم می‌شود که تقویت حاجی ادامه دارد و به منوچهر مجال نمی‌دهند.

۸. مستدعی است امر و مقرر فرمایند به چاکر اطلاع دهند چه روزی موبک همایونی به تهران مراجعت می‌کنند اگر اجازه می‌فرمایند Finis Davis رئیس کل باشگاههای لاینز (Lions) دوشنبه صبح شرفیابی حاصل نماید.

چاکر، حسین علاء

[در حاشیه]:

[دستخط محمدرضا پهلوی]: گفته شود که به رادیو مسکو به زبان فارسی گوش دهند تا ببینند دستورهای انتخاباتی که می‌دهند همکاری نزدیک آنها را به جبهه به اصطلاح ملی می‌رسانند.

[دستخط شاه]: این کیست؟ حاج علی آقا طباطبائی

[دستخط شاه]: من امروز عصر به تهران مراجعت می‌کنم و جمعه عصر به آبعلی مراجعت می‌کنم.

[۳ - ۳۹۰۸/۱]

[۲۸]

۱۵ بهمن ۱۳۳۹

۱. استدعای شرفیابی: وزیر کشاورزی برای عرض گزارش در بازگشت مسافرت

وزیر خارجه؛

۲. مطالب متین دفتری: (a) با اجازه بحث آکادمیک درباره فواید و مضار عضویت در سنتو و تطبیق اصول سیاست بین‌المللی ایران با تحولات آینده؛ تشکیل سمینار علوم سیاسی و بین‌المللی (b) تفصیل رفتن او به سنا و مذاکره با کاظمی؛ سه‌شنبه گذشته تلفن کرده بودند، متین به واسطه سرماخوردگی عذر خواسته بود؛ (c) متین قصد داشت در جلسه علنی اعتراض کند بر اعمال نفوذ وزیر کشور در انتخابات ولی به واسطه بست نشستن حضرات^{۴۵} در سنا منصرف گردید.

۳. انتخابات نطنز و منوچهر ریاحی؛

۴. امیرناصر دیبا، داوطلب انتخاب از قم، اجازه می‌خواهد؛

۵. وزیر خارجه تلگرامهائی دارند به عرض برسانند، اجازه شرفیابی استدعا دارند؛

۶. دکتر صناعی برای ممانعت وزارت فرهنگ؛

۷. سپهد بختیار؟

۸. دبیرکل ملل متحد اجازه می‌خواهد که ۳ طیاره نظامی امریکائی c.124 حامل

سرباز اسکاندیناوی از آتن به کراچی بر فراز ایران ۶/۵ بعداز ظهر امروز.

۹. آیا قطعاً حاضرند بعد از نروژ به فنلاند تشریف ببرند؟ پیشنهاد می‌شود بعد از سه

روز رسمی، سه روز دیگر مهمان دولت باشند برای بازدید.

۱۰. آیا نمونه پارچه از [خوانده نشد] خواسته شد؟

۱۱. [خوانده نشد].

[در پشت سند: دانشگاه و حیثیت دکتر فرهاد اگر دانشجویان را آزاد می‌کند به توسط

دکتر فرهاد باشد. در داخل دانشگاه بحثی نباید کرد.

[۲ - ۳۹۰۹/۱]

[۲۹]

۱۸ بهمن ماه ۱۳۳۹

۱. استدعای شرفیابی:

a: J. Badeau، رئیس بنگاه خاور نزدیک (که سابقه شرفیابی دارد) برای عرض

گزارش راجع به دبیرستان کشاورزی اهواز که مقدمات آن حاضر شده است؛

b: جلیل‌وند که از تویسرکان انتخاب شده است؛

c: احمد مینایی که تازه از امریکا مراجعت کرده پس از اخذ درجه PHD و از طرف

سفیرکبیر شاهنشاه در واشنگتن توصیه کرده‌اند به درک فیض شرفیابی نائل گردد؛

۴۵. عده‌ای از رهبران جبهه ملی در مجلس سنا متحصن شدند و تقاضای تضمین آزادی انتخابات را کردند؛

نگاه کنید به: روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی، جلد دوم، ص ۱۱۷.

d: محمد مهران، نایب‌التولیه آستان قدس رضوی،

[دستخط محمدرضا پهلوی] باشد تا مراجعت من.

۲. ارسال خلعتبری دیروز به ملاقات چاکر آمد و پس از عرض سپاسگزاری از مرحام شاهانه و توجهی که به او فرمودند اظهار داشت که مردم نسبت به کاندیداهای تهران بدبین و ناراضی هستند، بهتر بود چند نفر اشخاص برجسته که حسن شهرت دارند شرکت می‌کردند: اکنون هم سعی شود اشتری، جزائری، امیر حکمت، عوض رشیدیان و محمدعلی مسعودی و غیره^{۴۶}.

[دستخط محمدرضا پهلوی]: در آراء که تقلب نمی‌شود کرد!

۳. سپهبد کیا دیروز به محسن قراگزلو گفته است که «به امر شاهنشاه من آجودان مخصوص ملکه انگلیس هستم و هرکجا ملکه می‌رود من باید باشم و در اتومبیل باید جلو ملکه بنشینم»، این اظهار مایه تعجب محسن گردید زیرا که قطعی شده بود سه نفر افسر انتخاب شوند و شدند و هر سه بسیار خوب و آبرومند هستند لابد دنبال کیا، مریم خواهد آمد به سمتِ Principal lady in waiting ندیمه اصلی ملکه. چاکر تصور نمی‌کند چنین امری از طرف ذات اقدس شاهانه صادر شده باشد. بدتر از همه این بود که کیا گفت خودم مراتب را به my Lord (Milarad) ابلاغ خواهم کرد!

[دستخط محمدرضا پهلوی]: چون در موقع مسافرت من رئیس آجودانهای نظامی انگلیس، سپهبد بود به این جهت کیا انتخاب شده است ولی زنش هیچ کاره خواهد بود.

۴. والا حضرت غلامرضا پهلوی اظهار نظر می‌کنند که با اجازه همایونی خاندان سلطنت تماماً در فرودگاه حاضر شوند. می‌گویند در لندن همینطور عمل شد موقع تشریف‌فرمایی شاهنشاه. رسم دربار ایران غیر از این است؛ فقط اعلیحضرتین به استقبال تشریف می‌برند.

[دستخط محمدرضا پهلوی]: حضور والا حضرتها لازم نیست.

۵. اوضاع اداره املاک و بنیاد پهلوی خوب نیست بلکه بسیار درهم و برهم است و احتیاج مبرم به تفتیش و بازرسی کامل دارد والا روزی می‌رسد که ورشکستگی و رسوایی ظاهر خواهد شد.

۶. رشیدیان سعی دارد رفیق خودش مهندس انزلیچی از طالش انتخاب شود، و بر ضد رامبد قیام کرده است. جا دارد وزیر کشور مراقب جریان آنجا باشد و زودتر اجازه شروع انتخابات طالش صادر شود.

[دستخط محمدرضا پهلوی]: انزلیچی نخواهد شد.

۴۶. اسدالله رشیدیان و محمدعلی مسعودی به رغم توصیه ارسال خلعتبری به مجلس بیستم راه یافتند.

۷. با اوامر صریح شاهنشاه راجع به آزادی انتخابات مهدی شیبانی همه جا می‌گوید: «من حتماً از صندوق بیرون می‌آیم چون شاهنشاه دستور صریح در این باب داده‌اند حتی لازم نیست به محل بروم.» مردم نظنر این شخص را نمی‌خواهند و مسلماً به منوچهر ریاحی که اهل محل و مورد اطمینان است با میل رأی می‌دهند. [دستخط محمدرضا پهلوی: معلوم نیست پول اخوان چه کند!؟]

چاکر، حسین علاء

[۴ - ۳۹۱۰/۱]

[۳۰]

۲۰ بهمن ماه ۱۳۳۹

۱. استدعای شرفیابی: (a) سرهنگ ژان قاضی که از طرف رئیس‌جمهور اسبق لبنان (نقاش) معرفی شده است؛ (b) خداداد که از فارس و بنادر خلیج آمده برای عرض گزارش راجع به اسکان عشایر و کمکی که مؤسسه Care حاضر است به اهالی بنادر خلیج فارس بنماید؛ (c) سفیرکبیر نروژ؛ (d) محمد مهران برای عرض گزارش مسافرت به پاریس؛ (e) دسونوا (Desonnois) برای رپرتاژ و برداشتن فیلم از اعلیحضرتین که بیش از نیم ساعت طول نخواهد کشید؛ (f) دکتر خسرو بهرون؛ (g) دکتر هدایتی؛ (h) سفیرکبیر پاکستان؛ (i) مهندس والا که از خلخال انتخاب شده است؛

۲. آیا برای Byrdad پذیرش خواسته شده؟ وجودش در مصر مضر بوده است؟

۳. استدعای [حبیب‌الله] ثابت در باب برداشتن عکس از جواهرات سلطنتی و نشان دادن آن در تلویزیون برای تشویق مردم به بازدید از آن؛ [در حاشیه: حسنعلی منصور هم برای عرض گزارش راجع به هیئت اقتصادی آلمان اجازه شرفیابی استدعا دارد؛

[۳۹۱۱/۱]

[۳۱]

۲۲ بهمن ماه ۱۳۳۹

۱. شهرت اینکه امروز تعطیل عمومی می‌شود؛ اوراقی که در این چند روز توزیع گرفته؛ تحریک توده‌ایها؛ زد و خورد دیشب؛ دولت باید امنیت را حفظ کند. ۲. Byrdad? ۳. Campbell نماینده مجله طایم استدعای شرفیابی دارد؛ شرفیابی: وزیر فرهنگ؛ وزیر راه برای معرفی معاون؛ سفیر پاکستان؛ جهانگیر بوشهری؛ منصور راجع به برنامه هیئت اقتصادی آلمان؛ Desonnois، سفیر. ۴. تکلیف اسدی - با

آلمانها مذاکره کرده راجع به تهیه ریال برای پیشنهادهای Davies و Hooder که افسرده شده‌اند؛ ۵. رامبد؛ ۶. ... [خوانده نشد]. ۷. نماینده نخست‌وزیر و مسعودی در شورای جشن شاهنشاهی

[۳۹۱۲/۱]

[۳۲]

۲۵ بهمن ماه ۱۳۳۹

۱. شرفیابی: - جعفری؛ بحرالعلوم؛ حاج شیخ احمد شاهرودی؛ مهندس امیرسلیمانی؛
- «Ellis of Christian Science Monitor» [الیس از نشریه کریستین ساینس مانیتور]؛
۲. به جای ایران اجازه فرمایند مادرش خدمت کند - ویکتوریا؛
۳. نطق افتتاح مجلس: نکات را به شفا دیکته فرمایند؛ تشریف‌فرمائی با کالسکه؟
۴. تمثال مخصوصی برای تقویم دبیرخانه جشن شاهنشاهی؛
۵. یادآوری در باب مهندس صیحون و محامدی؛ والاحضرت فاطمه؛
۶. اهل پروجرد سلطان مراد را نمی‌خواهند؛
۷. باقر شریعت برضد صالح علی شاه گنابادی؛
۸. آزاد کردن دانشجویان دانشگاه؛

[۳۹۱۳/۱]

[۳۳]

اول خرداد ماه ۱۳۴۰

۱. جبهه ملی؛ دکتر مصدق؛ میتینگ؛ قانون انتخابات مؤسسان یا رفراندم؛
Daily Sunday Telegraph
۲. جشن ۲۵۰۰ سال سلطنت؛ امیر همایون بوشهری؛
۳. بنگاه نشر کتاب و ترجمه: یار شاطر، کمک دولت؛
۴. دیروز چه موضوعی پیش آمده بود که بعد متفی شد؟
۵. تجلیل مراجعت شاه؛
۶. پیشنهاد وزیر خارجه درباب نامه به عصمت اینونو و مجسمه؛
۷. منصوری رئیس سازمان چای برکنار شده شاید به تحریک غروی و غضنفری باشد - آیا این کار را برای این کردند که به حضور همایونی شرفیاب شده بود؟
۸. اگر ریشه فساد را می‌خواهید بکنید چرا دنبال میراشرافی نمی‌روید؟

[۳۹۱۴/۱]

مذاکره دکتر امینی:

۱. نگرانی و اضطراب مردم در نتیجه بیانات ارسنجانلی؛^{۴۷} ذکر اسامی رجالی که پول تحصیل فرزندانشان را از فرهنگ می‌گیرند. ۲. لجام گسیختگی جرائد. ۳. اوضاع شیراز و تحریک دانشجویان، لزوم اعزام استاندار لایق؛ ۴. جبهه ملی را داریم بزرگ می‌کنیم. ۵. دکتر مهرآرا برای بهداری؛ ۶. مهندس شکیب، برق و آب؛ ۷. روحانی پرونده سد لتیان را به اختیار میراشرافی گذاشته است؛ ۸. کمک به پیشرفت کار دانشگاه شیراز؛ ۹. مهندس رزم‌آرا حیف است از معاونت وزارت صنایع و معادن کنارجوئی نماید؛ ۱۰. شیخ محمدتقی قمی؛

[پشت سند: Jim Pringli] خط دوم خوانده نشد]

[۳۹۱۵/۱]

۱۰ خرداد ماه ۱۳۴۰

۱. استدعای شرفیابی: حمزای، صارم‌الدوله، سفیرکبیر پاکستان، امیر سالار، نماینده مجله *Holiday Stage*، دکتر حسن افشار، دکتر خداداد، دکتر زاهدی (برود به امریکا به جای باقر پیرنیا؟)، مهندس رزم‌آرا (به واسطه طرفداری از سپهبد کیا برکنار رفت)، سفیرکبیر امریکا، سپهبد وثوق، جمشید امیربختیار، محمد [...]
۲. خودمان داریم به دست خودمان جبهه ملی را تقویت می‌نمائیم، پشت سر آنها توده‌ائیا هستند؛ متینگ، اعلامیه، کیهان؛
۳. مخالفت با ستو مصلحت نیست، فریور واضح مخالفت می‌کند؛ دکتر اعتبار و گروه افرو آزیتیک؛
۴. لزوم تقویت از دکتر امینی که تکیه‌اش تنها به اعلیحضرت است؛
۵. قشقایها مشغول جنبش؛ ناصر به سردار فاخر نوشته این همه سوار می‌رود به شیراز برای تقویت جبهه ملی، احمد کشکولی رفته نزد حسینقلی رستم، استاندار قوی لازم است نه وارسته، فولادوند؛

۴۷. دکتر حسن ارسنجانلی وزیر کشاورزی در یک مصاحبه مطبوعاتی گفت: «به زودی قرار بازداشت عده‌ای صادر می‌شود». روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی. جلد دوم، ص ۱۲۷.

۶. میراشرفی، و امیرانی، اوراق و پرونده‌ها به اختیار روزنامه‌نویسها گذاشته می‌شود؛
۷. چاپ ترجمه فارسی کتاب شاهنشاه به واسطه اشکالات گراور و نداشتن پول از طرف هنرهای زیبا تأخیر شده؛
[در حاشیه: صورت حساب
۸. کودتا از طرف نظامیها؟ بختیار؛
۹. تمام کارمندان راه‌آهن را تغییر می‌دهند؛ الموتی^{۴۸} در دادگستری جبهه ملی و چپها را تقویت می‌کند؛
۱۰. بیانات کندی و داگلاس: بی‌طرفی و انقلاب؛
۱۱. سختگیری از طرف شاه نسبت به اعضای خاندان سلطنت، حمیدرضا؛
۱۲. دکتر مهرا برای بهداری، دکتر دفتری؛

[۲ - ۳۹۱۶/۱]

[۳۶]

۲۳ خرداد ماه ۱۳۴۰

۱. دکتر عدنان مزارعی که ارتباط با سیدضیاء و علم و جبهه ملی دارد مستدعی است اجازه فرمایند شرفیاب شود. اگر عزم دارند با ماجراجویان و بدخواهان مبارزه شود بدون انتظار کمکی حاضر [به] جان‌فشانی هستند؛
۲. مطلب باقر مستوفی و استدعای شرفیابی؛
۳. دکتر قربان و دانشگاه شیراز؛
۴. وزیر راه اجازه می‌خواهد معاون خود را مهندس صوفی و مدیر کل راه‌آهن مهندس هاشمی‌نژاد را معرفی کند؛
۵. استدعای شرفیابی: (a) امان‌الله اردلان؛ (b) محمد دادور؛ حسین شهریار؛ کتاب شاهنشاه (یک کلمه خوانده نشد)؛

؛(حاجی بابا و موریه) *Hadji Baba & Morier*؛

؛(حاجی بابا در انگلستان) *Hdji Baba in England*؛

Britain in World Affairs by Lord... with Andre' Peutsch Ltd. Faber and Faber [بریتانیا در امور جهانی اثر: لُرد اِسْتِرَنگ، ناشر: شرکت آندره دویچ. فابر و فابر]؛

[۳۹۱۷/۱]

۴۸. نورالدین الموتی، وزیر دادگستری و از فعالین موسوم به پنجاه و سه نفر.

[۳۷]

۵ تیر ماه ۱۳۴۰

۱. ترمیم کابینه: (a) درخشش: عده‌ای فرهنگیان خواسته‌اند مرا ملاقات نمایند گفتم بهتر است نخست وزیر را ببینند؛ آخوندها هم به صدا در آمدند؛
- (b) الموتی: کانون توده‌ئی درست کرده اعمال غرض می‌نماید؛
- (c) ارسنجانی: توهین به ملاکین، تحریک رعایا، جعفر فندرسکی؛
۲. تعیین احمد نامدار به ریاست دفتر سوءتأثیر کرده است، قاچاقچی هروئین؛
۳. فریدون توللی توده‌ای را درخشش به جای صائمی به شیراز فرستاده است؛
۴. فعالیت جبهه ملی، عکس مصدق، تحریک دانشجویان امریکا؛
۵. فکری برای دکتر معارفی بشود: وزیرمختاری در آفریقا، عضویت هیئت‌مدیره یکی از شرکتها، سرپرستی محصلین؛ ۶. سلطانپور؛ ۷. مهندس تسکینی؛ ۸. آب و برق؛
۹. ثابت؛ تلویزیون آبادان؛ ۱۰. دکتر حسن زاهدی: جای باقر پیرنیا، شرکت ملی نفت، خرج راه مراجعت؛ ۱۱. [عبارت مفهوم نبود].

[۳۹۱۸/۱]

[۳۸]

۱۱ شهریور ماه ۱۳۴۰

۱. سرتیپ صفاری صبح به ملاقات چاکر آمد و یادآوری کرد که وضع زندگانی‌اش بسیار مختل شده و احتیاج مبرم به عنایت و توجه ملوکانه دارد. ضمن انجام خدمتی به هر نحوی که مقرر فرمایند گشایشی در کارش فراهم گردد. اگر نظری به تغییر استنادار خراسان دارند بهترین داوطلب برای اداره امور آنجا و مردم‌داری و حُسن تفاهم با نایب‌التولیه صفاری است. منوط به اراده همایونی است.
۲. مخبر دیلی اکسپرس دوباره به طهران آمده استدعای شرفیابی دارد تا بتواند اثرات سوء مقاله سابق خود را جبران نماید. به او گفته شد که موکب شاهانه در مازندران تشریف دارند.
۳. اربابی، معاون وزارت راه و رئیس اداره هواپیمائی کشوری، به عرض می‌رساند در صورت رضایت خاطر مبارک از خدمات ایشان امر و مقرر فرمایند به مناسبت عید مولود مسعود ۴ آبان به اعطای نشانی مفتخر گردد.
- [دستخط محمدرضا پهلوی:] اقدام شده.
۴. طبق اجازه مرحمتی ذات اقدس شهرداری رئیس کل روتاری جهانی، Joseph

a.abey، سه‌شنبه صبح ۱۴ شهریور در حدود ساعت ده و ربع به اتفاق دکتر جهان‌شاه صالح شرفیابی حاصل خواهد نمود. اگر اجازه فرمایند عکاسی در آن موقع حضور به هم برساند موجب مزید افتخار خواهد بود.
[دستخط محمدرضا پهلوی:] مانعی ندارد.

۵. هادی امیرابراهیمی امروز صبح به ملاقات چاکر آمد و مطالبی بیان کرد که از نقطه نظر خدمت به مقام سلطنت و حفظ مصالح کشور حائز نهایت اهمیت است. استدعای چند دقیقه شرفیابی دارد تا طبق وظیفه وجدانی نکاتی را که اولیای امور امریکایی گوشزد کرده‌اند به عرض برساند. ضمناً چون قطعاً اردشیر زاهدی که امشب وارد می‌شود شرحی به عرض پیشگاه مبارک خواهد رساند به اقتضای رعایت عدالت و انصاف که همیشه منظور نظر شاهنشاه بوده و هست اجازه خواهند فرمود امیرابراهیمی نیز مجال داشته باشد تظلم خویش را به سمع فائد معظم دادگستر برساند تا از روی اطلاع کامل قضاوت و احقاق حق فرمایند.

[امضا:] چاکر، حسین علاء

[۲ - ۳۹۲۳/۱]